

سرمقاله:

## جایگاه جنبش کارگری در جنبش اعتراضی

جنبش اعتراضی مردم کشورمان در پس از انقلاب، قدمتی به درازای جمهوری اسلامی دارد. از فردای پیروزی انقلاب اقشار، طبقات و ملیت های مختلف کشورمان به طرق گوناگون خواست های خود را منعکس و عموماً با قهر رژیم مواجه شده اند. بمباران سنج در آستانه عید 58، سرکوب خلق ترکمن، سرکوب زنان معترض به تحمیل حجاب اجباری، تسویه خونین دانشگاهها، کشتارهای دهه 60 و قتل عام زندانیان سیاسی در فاجعه ملی 67، سرکوب خونین اعتراضات مردمی اسلام شهر، تهران، مشهد، تبریز، سرکوب وحشیانه مردم آذربایجان در سال 86، دستگیری و سرکوب کارگران شرکت واحد، هفت تپه و صدها اعتصاب کارگری، هجوم علیه تجمعات صنفی معلمان و پرستاران، دستگیری و شکنجه و اخراج صدها دانشجوی چپ و آزادیخواه، و صدها مورد دیگر همه وهمه نشان از فراز و نشیب های جنبش اعتراضی و سرکوب های وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی در 30 سال گذشته دارد.

اعتراضات میلیونی مردم میهنمان در اقصی نقاط کشور، در اعتراض به نتایج دستکاری شده انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری را هم تنها می توان بر بستر همان جنبش اعتراضی سی ساله به تحلیل نشست. تحلیل انتزاعی و برخورد مجرد با این واقعه تاریخی بدون توجه به سبقت جنبش اعتراضی مردم کشورمان، فعالین سیاسی را از واقعیتها دور خواهد ساخت.

جنبش اعتراضی در کشورمان در هر مقطعی نمود هایی داشته است. در مقاطعی مبارزه ملیت ها برای تحقق خواست های ملی خویش دیگر خواست ها را تحت الشعاع قرار داده، در برهه ای دیگر خواست های دمکراتیک احزاب و سازمان های سیاسی وجه غالب داشته است. در مراحل مبارزات کارگران بارز بوده و در مقاطعی دیگر مبارزات زنان برای کسب حقوق خویش پررنگ تر بوده است. و در سکوت مرگباری که حاکمیت دینی صدای هر اعتراضی را در گلو خفه می نمود، جنبش دانشجویی با تقبل خسارت های فراوان پرچم مبارزات اعتراضی را بر افراشته نگه داشت. و امروز بعد نمایان و بارز جنبش اعتراضی کشورمان از آن جنبش سبز است.

جنبش سبز بخشی از جنبش اعتراضی و مطالباتی مردم کشورمان را تشکیل می دهد که در این برهه از تاریخ میهنمان پررنگ تر از دیگر

ادامه در صفحه 2

## در این شماره :

با احزاب و سازمانهای چپ	صفحه 3
زنده باد کمونارها	صفحه 8
دو همایش برای اتحاد	صفحه 12
قیام گرسنگان در قرقیزستان	صفحه 12
گاه شمار زندگانی مارکس	صفحه 13
رویدادهای ایران و جهان	صفحه 14
قطعهنامه مشترک روز جهانی کارگر	صفحه 17

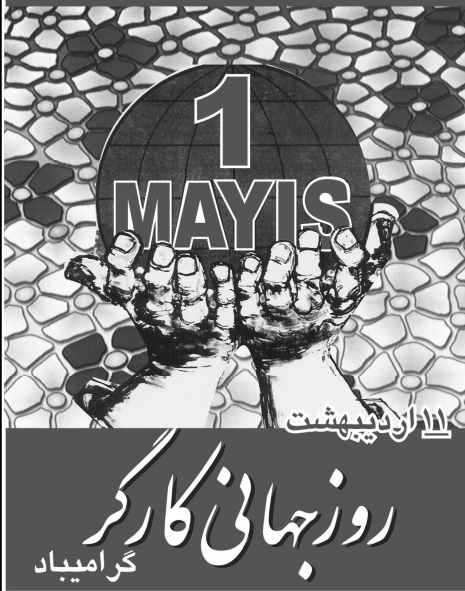
ارتباط با ما :

Kar-dakhel@yahoo.com  
Kar.dakhel@gamil.com

## سرود انترناسیونال

برخیز ای داغ لعنت خورده دنیای فقر و بندگی  
شوریده خاطر ما را برده به جنگ مرگ و زندگی  
باید از ریشه براندازیم کهنه جهان جور و بند  
و آنچه نوین جهانی سازیم هیچ بودگان هرچیز گردند  
روز قطعی جدال است آخرین رزم ما  
انترناسیونال است نجات انسانها  
برما نبخشند فتح و شادی نه بت، نه شه نه قهرمان  
با دست خود گیریم آزادی در پیکارهای بی امان  
تا ظلم از عالم بروییم نعمت خود آریم به کف  
دمیم آتش را و بکوییم تا وقتیکه آهن گرم است  
تنها ما توده جهانی، اردوی بیشمار کار  
داریم حقوق جهانیانی نه که خونخواران غدار  
غرد وقتی رعد مرگ آور بر رهنان و دژخیمان  
در این عالم بر ما سراسر تابد خورشید نور افشان  
روز قطعی جدال است آخرین رزم ما  
انترناسیونال است نجات انسانها

## کارگران جهان متحد شوید



## طبقه کارگر، یگانه محرک چرخ

اول ماه مه، یازدهم اردیبهشت ماه، روز همبستگی جهانی کارگران فرامی رسد. روز طبقه کارگر، طبقه ای که تنها باتکاء نیروی جسم و خرد خویش، در پیشاپیش دیگر اقشار و طبقات اجتماعی، حرکت نموده، تمام ضروریات زندگی بشری را تأمین کرده، علوم و تکنولوژی را تکامل می بخشد.

## نقش و جایگاه جنبش زنان کارگر

بررسی علل و ریشه های تاریخی ستم جنسیتی که بر زنان روا داشته می شود، بیان گر آنست که ستم جنسیتی پیوندی تنگاتنگ با پیدایش جامعه طبقاتی و مالکیت خصوصی بر ابزار تولید داشته، و ارتباطی ناگسسته با موقعیت اجتماعی و انسانی زنان بعنوان جنس ستم دیده - از نظر اقتصادی - و در انقیاد دارد.

## حداقل دستمزد و رشد فقر کارگران

مسالهای دستمزد کارگران در ایران و تعیین حداقل آن هرساله مورد بحث کارگران و محافل کارگری بوده و مداوماً چالش بزرگی در این زمینه وجود دارد. بار دیگر در آستانه سال نو و بسان سالهای گذشته، موضوع دستمزدها و تعیین حداقلی برای آن به سوژه ای پر اهمیت برای جامعه کارگری کشورمان تبدیل شد.

## نظریه پایان ایدئولوژی

در بخش نخست این مقاله، از طریق واکاوی تاریخچه کنگره آزادی فرهنگی و چهره های اصلی گرداننده آن، و همچنین ماهیت نظراتی که از سوی آنان ترویج یا در کتاب ها و نشریات گوناگون این کنگره منتشر میشد، نشان دادیم که بحث هایی مانند پایان ایدئولوژی، نظریه همگرایی و ... که بوسیله این تشکیلات ترویج و تبلیغ میشد، نظریه های علمی نیست .

## جنبش کارگری در سالی که گذشت

سال 88، سالی پر تنش و آکنده از بیم و امید، برای جامعه کارگری کشورمان بود. جنبش کارگری ایران طی شش ماهه اول سال یکی از بحرانی ترین و حساس ترین مقاطع حیات سیاسی و اجتماعی خویش را از سرگذراند. دهها کارگر بدلیل سختی کار، غیر بهداشتی بودن محیط های کاری، حوادث ناشی از عدم کاربست موارد ایمنی و یا در پی اعتراضات کارگری ...

زنده باد سوسیالیسم ، صلح ، استقلال ، آزادی ، دموکراسی و عدالت اجتماعی

بخش های متشکله آن به چشم می آید. از نکات بارز این جنبش تنوع زیاد شکل دهندگان آن است. بطوریکه این تنوع بشکلی ضعیف به رهبری جنبش هم ادامه یافته، البته هرچه از قاعده به رأس هرم نزدیکتر می شویم از تنوع آراء و حضور جریانات فکری و سیاسی دگراندیش کاسته می شود. بطوریکه رأس هرم منحصراً در اختیار طیف های مختلف اصلاح طلبان حکومتی قرار دارد. وجه اشتراک تمامی این جریانات اعتقاد به نظام جمهوری اسلامی و اصل ولایت فقیه است. آنها بر این باورند که نظام حقوقی جمهوری اسلامی دارای ظرفیت های بکار نگرفته ای است، که با تفسیری متفاوت می توان اصلاحاتی را در چهارچوب همین نظام بکار بست. سقف خواست های آنان اعمال محدودیت هایی برای رهبری و ارگانهای منتخب، برای بازسازی و به روز کردن رژیم است که در تولد خویش هزار سال تأخیر داشته است.

البته این موضوع موجب آن نخواهد بود که نقش و تأثیر جنبش سبز را در ارتقاء و تعمیق جنبش اعتراضی کشورمان انکار نماییم. با تمامی نقایص و ایرادات وارده به این جنبش، که در شماره های قبلی کار داخل کشور نیز بدان پرداخته و همچنان بر آن تأکید می نماییم، این جنبش گاهی به جلو بوده است. از جمله ایرادات و ابهاماتی که در خصوص آنان مطرح است، می توان موارد زیر را نام برد: ناپیگیری در مبارزه، انحصار طلبی، عدم گسست از رژیمی غیر قابل اصلاح، ناپاوردن به دموکراسی برای دگراندیشان، عدم اعتقاد بنیادین به حقوق بشر و مهمتر از همه سابقه نامیوم آنها در سرکوب و کشتار دگراندیشان.

جنبش سبز که با شروع کارزار انتخاباتی دهمین دوره ریاست جمهوری شکل گرفت و در اعتراض به تقلب انتخاباتی جناح حاکم به اوج رسید، نقش بسزای غیر قابل انکاری در رشد جنبش اعتراضی مردم کشورمان داشته است. فراموش نکنیم در همراهی با این حرکت بود که میلیون ها نفر پس از انقلاب 57 بار دیگر در اعتراض به نظام حاکم به خیابانها ریختند. هرچند که همه آنان هم که بخوبی آمدند، نه آنهایی بودند که برای کاندیدای اصلاح طلبان رأی داده باشند. بخش عظیمی از آنان را معترضینی تشکیل می دادند که علیرغم حضور در کارزار انتخاباتی به هیچیک از کاندیداهای مورد تأیید شورای نگهبان رأی نداده بودند. ولی آنان در حمایت از حقوق پایمال شده رأی دهندگانی که برای تغییر، با توسل به شیوه های مدنی و مسالمت آمیز به پای صندوق های رأی رفته بودند، پیگیرانه در تظاهرات و اعتراضات بعد از انتخابات حضور داشته و چنان که شاهد بودیم تأثیر بسزائی در تعمیق و ارتقاء خواست های جنبش سبز و پیوند آن با جنبش اعتراضی مردم کشورمان داشته اند.

در جنبش سبز حضور جوانان و دانشجویان، زنان، روشنفکران و اقشار میانی و آنگونه که به نادرست مصطلح گشته طبقه متوسط نمود بارزی داشته است. ولی این بمنزله انکار حضور کارگران و زحمتکشان مزدبگیر در اعتراضات چند ماهه اخیر نمی باشد. کارگران و اقشار زحمتکش و فقیر جامعه، بشکلی غیر متشکل در اعتراضات خیابانی حضور داشتند. و از قضا هم آنها و فرزندان آنان بودند که جسورانه در مقابل قداره بندان، چاقوکشان و اطاق داران لباس شخصی و زره پوشان نیروهای نظامی مقاومت نموده و حماسه می آفریدند. اما بنا به علی که ذیلاً به بعضی از آنها خواهیم پرداخت، کارگران نه بصورت طبقه بلکه بشکلی منفرد در این کارزار حضور داشتند. و همین نقیصه، نقش و حضور آنان را کم رنگ نموده و به تبع آن موجب نادیده گرفته شدن سهم آنان در مدیریت جنبش گردید. نقش و تأثیر جنبش کارگری در جنبش اعتراضی اخیر، موضوعی است که طی یکسال گذشته - از شروع کارزار انتخاباتی - همواره محور خیلی از بحث ها بوده است.

از دلایلی که موجب کم رنگ تر گشتن نقش و حضور طبقه کارگر و جنبش کارگری، بعنوان بخش پیشرو و بالنده جنبش دمکراتیک میهنمان در جنبش اعتراضی اخیر گردید، می توان موارد زیر را برشمرد:

سرکوب گسترده جنبش کارگری از فردای پیروزی انقلاب

خصومت رژیم با جنبش کارگری بخاطر نفوذ سنتی چپ در این جنبش

ممانعت از شکل گیری تشکل های کارگری مستقل و دولتی کردن تشکل های موجود

سرکوب نیروهای چپ و قطع ارتباط جنبش کارگری با احزاب و سازمانهای حامی طبقه کارگر

پایین بودن آگاهی سیاسی و صنفی طبقه کارگر

فقدان سندیکاها و اتحادیه های سراسری کارگری

دلایل مزبور امکان سازماندهی و حضور متشکل را از کارگران سلب نمود. از طرفی دیگر عدم توجه رهبران جنبش سبز به جنبش کارگری و توان بالقوه و بالفعل آن، که متأسفانه در فقدان رهبری جمعی برای جنبش دمکراتیک کشورمان، سعی در ایفای چنین نقشی داشتند، بنابه دلایل تاریخی و ماهیت طبقاتی و زیرساخت های فکری حاکم نتوانست با طرح خواست های کارگران، از جمله حق ایجاد تشکلهای مستقل کارگری، حق اعتصاب، افزایش دستمزدها، مقابله با اخراج ها، پرداخت حقوق های موقه کارگران و پوشش تأمین اجتماعی بر تمامی جامعه کارگری، لغو قانون ارتجاعی غیر مشمول بودن کارگاه های زیر ده نفر از پوشش تأمین اجتماعی و موارد دیگر، کارگران کشورمان را بطور گسترده با خود همراه سازد. متأسفانه این نقصان تنها در رابطه با کارگران نبود، در مورد حقوق ملیت ها و دیگر زحمتکشان شهر و روستا هم شاهد چنین غفلتی بودیم. امری که بطور متقابل جنبش سبز را در چارچوب جنبش اعتراضی از یاری بخش اعظم توده های زحمتکش محروم نمود. بی توجهی به خرد جمعی و خودمحوری رهبران جنبش سبز و عدم توجه آنان به خواست های بخش عظیمی از مردم کشورمان، جنبش اعتراضی را در مقابله با رژیم سرتاپا مسلح تکه تکه نمود. آنها با کلی گویی و اعتقاد به حرکتی توده وار در پی استفاده ابزاری از طبقه کارگر و زحمتکشان شهری بوده اند. آنها نه تنها نتوانستند نیروی قابل توجهی از صفوف زحمتکشان را با خود همراه سازند، بلکه این توهم نادرست را هم

جا انداختند که کارگران و زحمتکشان، بخصوص زحمتکشان روستایی بخاطر سیاستهای اقتصادی گداپروانه احمدی نژاد حامی دولت وی می باشند. آنها نمی خواهند قبول کنند که سیاستهای نابخردانه و انحصارطلبانه آنها بود که جنبش اعتراضی را در این مقطع از یاری اقشار پایینی محروم ساخت. آنها امروز باید فهمیده باشند که با توهین به شعور زحمتکشان نمی توانند نقیصه ی آشکار خود را لاپوشانی نمایند.

بکارگیری چنین سیاستی البته بی دلیل هم نیست. آنها نه تنها بنا به ماهیت طبقاتی و ساختار فکریشان با حضور کارگران در مدیریت سیاسی کشورمان مخالفند، بلکه بخوبی درک می کنند حضور کارگران در رهبری جنبش، بمنزله پذیرفتن مشارکت سیاسی نیروهای چپ می باشد. آنها بخوبی می دانند، که جنبش کارگری کشورمان در یکصد سال گذشته همواره متأثر از ایده ها و برنامه های چپ بوده است. تصور جنبش کارگری کشورمان بدون احزاب و سازمانهای کمونیستی و چپ خوش باوری کودکانه ای بیش نیست. آنها در تمامی اعتراضات کارگری و تشکل های صنفی حضور چپ را احساس می کنند. این حضور هرچند بخاطر سرکوب های قرون وسطائی چپ و نیروهای ترقی خواه در سه دهه اخیر هنوز می لنگد، ولی باز هم در هر عرصه از مبارزه طبقاتی صدای پای چپ را می توان شنید. امری که نه تنها خوشایند رهبران جنبش سبز نیست، بلکه بشدت از آن اجتناب می کنند.

اگر قبول کنیم که جنبش اخیر بخشی از جنبش اعتراضی و مبارزات دمکراتیک مردم کشورمان می باشد، لازم است سریعاً برای ترمیم معایب آن تلاش ورزیم. کنار کشیدن از مبارزه به دلایل واهی، همچون استیلائی نیروهای بورژوازی بر رهبریت جنبش تنها می تواند فرار از مسئولیت بشمار آید. کارگران آگاه و انقلابی همراه با طیف های مختلف چپ بایستی تلاش مضاعفی را برای رفع عقب ماندگی های پیش آمده بکار بندند. نیروهای چپ و بالخص کمونیست ها بایستی توان خود را برای ایجاد ارتباطی تنگاتنگ با کارگران و حضور در محیط های کارگری بکار گیرند. لازمه طرح خواست های کارگری و اقشار زحمتکش جامعه در گرو حضور متشکل و گسترده آنان در بطن جریانات و اتفاقاتی است که در جامعه رخ می دهد. تجربه تاریخی خلق های کشورمان و خلق های جهان هیچ راه میانبر و بدون هزینه ای را برای نیل به خواست های بنیادین توده های کار و زحمت سراغ ندارد. بایستی مطمئن بود هیچ یک از اقشار و طبقات اجتماعی و نمایندگان سیاسی آنها بجای ما هزینه پرداخت نخواهند نمود. تلاش آنها برای انتقال هزینه به اردوی زحمتکشان و میوه چینی بدون زحمت از قبیل زحمت آنهاست. انتظار اینکه آنان به نفع ما هزینه ای بکنند، انتظار احمقانه ای بیش نخواهد بود.

همراه با حضور فیزیکی در کارزارهای اجتماعی بایستی به متشکل ساختن نیروهای خودی در عرصه های صنفی و سیاسی مبادرت ورزیم. هسته های مستقل سازمان های چپ بایستی برای سازماندهی و ایجاد ارتباطات توده ای همت نمایند. باید ترس ایجاد تشکل های سیاسی را از خود دور ساخت. درعین حال ناپیستی با ایجاد ارتباطات هر می گسترده در داخل به انتحار سیاسی دست زد. اما ایجاد تشکل های صنفی کارگری و مزدبگیران در شکلی گسترده ضریب امنیت فعالین صنفی را بالا برده و کارایی آنان را بیشتر خواهد نمود. در ابعاد کلان بر رهبری احزاب و سازمان های سیاسی چپ است که برای حضور مؤثرتر و تأثیر گذار در مبارزات دمکراتیک کشورمان نیروهای خود را در جبهه ی چپ متشکل سازند. تنها چپ متشکل، خواهد توانست حضور و وجود خود را در مدیریت اپوزیسیون رسمیت بخشد و در عین حال به ارتقای نقش جنبش کارگری در تصمیم گیری های جنبش دمکراتیک کشورمان یاری رساند. بایستی با حضور متشکل و گسترده طیف های دیگر جنبش دمکراتیک کشورمان را متوجه نیروی توانمند کارگری نمود. بایستی با کار تبلیغی و توضیحی دیگر نیروهای حاضر در جنبش اعتراضی را متوجه ساخت که پیروزی جنبش اعتراضی بدون حضور شایسته کارگران میسر نخواهد بود، و لازم است تمهیدات لازم برای چنین حضوری را فراهم ساخت.

از مشخصه های بارز چپ مبارزه توأمان برای دموکراسی، عدالت اجتماعی و علیه سلطه امپریالیستی است. چپ هیچ گاه مجاز نبوده بخشی از وظایف خود را بخاطر بخش دیگر تعطیل نماید. و هر آنگاه که چنین نموده ضربات هولناکی را متحمل گشته است. از وظایف چپ رادیکالیزه کردن خواست ها و شعارهای جنبش اعتراضی است. بایستی:

مبارزه برای دستیابی به دموکراسی بنیادین و گذر از تمامی موانعی که در مقابل این خواست اساسی قرار دارند.

طرح شعارها و خواست های کارگران و زحمتکشان شهر و روستا و ملیت های ساکن کشورمان،

افشای جریانات و تفکراتی که برای رهائی از ستم و استبداد رژیم، بدنبال سوق جنبش بسوی کشورهای سلطه طلب امپریالیستی هستند.

موارد یاد شده اهم وظایف چپ بشمار می آید و بایستی در راستای تحقق آنها تلاش ورزد. چپ نماینده و مدافع کارگران و زحمتکشان بوده، و منعکس کننده خواست ها و منافع آنهاست. از اینرو نمی تواند قدیس وار بعنوان منجی تمام طبقات اجتماعی ایفای نقش نماید. طبقات دیگر نمایندگان سیاسی خود را دارند که برای تحقق منافع آنها مبارزه می کنند، البته دفاع از حقوق بشر و آزادی و حرمت انسانها موضوع دیگری است، که چپ همواره خود را ملزم به تلاش برای تحقق آن می داند. ضرورتی ندارد که چپ با زدن سنگ دفاع از منافع مادی تمامی طبقات خود را مضحکه دیگران سازد. باید باور داشت در شرایط فعالیت سیاسی برابر تناسب لازم در این خصوص برقرار خواهد شد.

لازم می دانیم مجدداً یادآور شویم، تنها راهکار ممکن برای ما و یگانه کلید طلایی برای نیل به اهداف والای سوسیالیسم، اتحاد نیروهای چپ و گسترش تشکل های کارگری و برقراری ارتباط تنگاتنگ با زحمتکشان است.

## با احزاب و سازمان‌های چپ

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

برای تامین آزادی و عدالت اجتماعی

اول ماه مه را به برآمد جنبش کارگری و همبستگی با جنبش سبز تبدیل کنیم!

هیئت سیاسی - اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اول ماه مه، روز جهانی کارگر را به شما کارگران و مزدبگیران و به همه مدافعان راه صلح، آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم تبریک می‌گوید و برای شما در سال پیش رو آرزوی موفقیت و پیروزی می‌کند. هم‌زمان!

اول ماه مه (11 اردیبهشت) روز همبستگی طبقاتی و مبارزاتی کارگران و مزدبگیران جهان علیه استثمار و ستم طبقاتی، تبعیض و نابرابری، فقر و گرسنگی است. درفش اول ماه مه را به عنوان سنت دیرینه و گرانقدر همبستگی جهانی کارگران و زحمتکشان پاس داریم، در همایش‌ها و تظاهرات روز اول ماه مه شرکت کنیم، اقدامات و سیاست‌های ضدکارگری و ضددموکراتیک کودتاگران را بر ملا و علیه این سیاست‌ها مبارزه کنیم، آزادی کارگران زندانی را خواستار شویم، مطالبات کارگران و مزدبگیران کشور را بازگو و برای تامین آزادی و عدالت اجتماعی و پیوند بین جنبش کارگری و جنبش سبز بکوشیم.

فراکسیون کمونیستی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چه کسانی سیما فدائی را تخریب می‌کنند؟

برغم اعتراضات و مساعی ما، تلاشهای رذیلانه این باندها برای آلودن و خدشه وارد کردن چهره فدائیان و تحریف مبارزات قهرمانانه آنها، همچنان ادامه دارد. نمونه قاطع این مدعا، مقاله جوابیه یکی از افراد این گروهبندها، آقای سهراب مبشری به نوشته آرزویی از خط و مشی سیاسی سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت در سالهای 1359 تا 1363<sup>1</sup> آقای فرخ نگهدار می‌باشد. وی در مقاله خود می‌نویسد: «آیا رفیق نگهدار از یاد برده است که بارها از اعضا و هواداران سازمان خواست علیه به اصطلاح «ضد انقلاب» برای حکومت جاسوسی کنند؟ فراکسیون کمونیستی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، با تمام مسئولیت فدائی خود، ادعاهای آقای سهراب مبشری راه یک دروغ محض، یک حقه بازی سیاسی و یک دغل کاری جاعلانه و آگاهانه برای وارد آوردن آخرین ضربه مهلک به حیثیت، اعتبار و بطور کلی، به بقایای تشکیلات سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت چه در داخل و چه در خارج از کشور ارزیابی کرده و اعلام می‌کند: اگر چنانچه آقای مبشری به موارد ادعائی خود در تمام دوره های فعالیت سازمان برخورد کرده باشد، بالاترین حد، این مسئله، فقط و فقط در محافل وابسته به آقای نگهدار و رازداران وی مطرح بوده و از آن فراتر نرفته است. بر خلاف ادعاهای تخریبی آقای مبشری، رفقای ما در سالهای مورد بحث، برای استتار، مخفی و از کشور خارج کردن مخالفان مترقی رژیم منطح اسلامی، از جمله، اعضای سازمان مجاهدین خلق، مساعدتها و کمکهای شایان توجهی نمودند.

هیئت اجرائی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

به مناسبت سالروز جانبختگان حمله جمهوری اسلامی به کردستان

در جنگ سندی رژیم جمهوری اسلامی ظرفیتی از جنایت و تبهکاری از خود به نمایش نهاد که بعداً در سرکوب های خشن و بی رحمانه دهه شصت، قتل عام و نسل کشی زندانیان سیاسی در تابستان 1367، قتلهای زنجیره ای .... چهره نمود. ظرفیتی از خشونت و جنایت که هم‌زمان رژیم جمهوری اسلامی بوده و با ماهیت آن در هم سرشته شده است. برگزاری یادمان و زنده نگهداشتن خاطره جنایات رژیم اسلامی در جنگ سندی از آن رو اهمیت دارد که برگ اول این دفتر سیاه جنایت پیشگی را به افکار عمومی مردم ایران یادآوری می‌کند.

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

به مناسبت اول ماه مه روز همبستگی بین المللی کارگران!

حتی اصلاح طلبان حکومتی و نیز اپوزیسیون بورژوازی رژیم در داخل و خارج از کشور امسال به یاد روز کارگر افتاده و می‌خواهند هم چون مناسک دیگر از آن استفاده ابزاری برای پیشبرد پروژه سیاسی خود بکنند. انگار نه انگار که اول ماه مه روز همبستگی طبقاتی بین المللی کارگران علیه بهره کشی نظام سرمایه و روز اعتراض به نابرابری های طبقاتی است. برای آن ها 11 اردیبهشت «روز تجلیل از کارگر» است و قرار است همچون روز پدر یا روز مادر و «ایجاد» دیگر به «مقام شامخ» این قشر عزیز ارج گذاشته شود.

اما برای طبقه ما، اول ماه مه قبل از اینکه عید و جشن و روز تعطیلی باشد، روز اعتراض به

بربریت سرمایه و روز به نمایش گذاشتن همبستگی بین المللی کارگران و زحمتکشان برای دستیابی به برابری و رهایی واقعی است. و البته از یاد نمیبرند که در راستای همین رزم پُرشکوه از بزم و پایکوبی و شادی نیز غافل نباشند. و در یک کلام این روز می‌خواهد در مقیاسی بین المللی، همبسته و همصدا بانگ زند که «جهانی دیگر ممکن است!» و طبقه کارگر مامای زایش این دنیای انسانی است. دنیایی که آزادی را با برابری می‌خواهد و این هر دو را با شادی!

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

با شعار - کار - مسکن - آزادی به استقبال اول ماه مه روز جهانی کارگر برویم

امسال در شرایطی به استقبال روز جهانی کارگر می‌رویم که مبارزات کارگران و حرکت های وسیع اعتراضی سایر اقشار مردم در سال گذشته، بویژه دلاوری وازجان گذشتگی جوانان در مبارزه علیه دستگاه ستم و سرکوب سرمایه داری حاکم برکشورمان وارد فاز نوبتی شد. اما هم‌زمان تشدید سرکوب و دستگیری و شکنجه و کشتار رژیم و نیز ناتوانی اقشار دیگر مردم در مواجهه با مافیای قدرت و ثروت، مبین این واقعیت است که بدون اتحاد و تشکل و بدون دست زدن به یک مبارزه انقلابی و بویژه بدون وارد شدن طبقه کارگر قدرتمند جامعه ما به عرصه تعیین تکلیف قطعی رژیم سرمایه داری حاکم، مبارزات پراکنده جنبش های انقلابی و مترقی جامعه هرچند بسیار ضروری و مفید است اما به تنهایی ره به جایی نخواهد برد. اول ماه مه امسال میباید بر امر حمایت همه جانبه جنبش های انقلابی از جنبش کارگری و بالعکس پای فشرده و با طرح و تبلیغ و ترویج شعارهای نظیر کار - مسکن - آزادی تمام نیروهای کارگران و زحمتکشان جامعه را در برابر نظام سرمایه داری حاکم متحد کرد. شعارهایی که بیانگر صف مستقل طبقه کارگر و زحمتکشان طرفداروی در برابر سرمایه داران و دولت ارتجاعی آنها و نیز در مقابل اقشار و گروه هایی است که خود را به نوکری سرمایه فروخته اند.



حزب توده ایران

پیش به سوی ارتقای کیفی نقش طبقه کارگر در جنبش عمومی مردم برضد

رژیم استبدادی ولایت فقیه!

امسال طبقه کارگر و زحمتکشان میهن ما در شرایطی به استقبال برگزاری روز اول ماه مه می‌روند که سران رژیم استبدادی ولایت فقیه و دولت کودتا حتی از صدور اجازه برگزاری مراسم سالانه روز جهانی کارگر، که توسط «خانه کارگر» برگزار می‌شود، خودداری کرده اند. رژیم هراسناک از تکرار حضور میلیونی توده ها برضد ادامه حاکمیت استبداد مطلق ولایتی مصمم است که از هرگونه تجمع توده بی جلوگیری کند. ادامه زندانی بودن و فشارهای شدید امنیتی برضد فعالان کارگری، سرکوب خشن هرگونه تلاشی برای ایجاد تشکل های مستقل به منظور دستیابی به حقوق صنفی کارگران و زحمتکشان، نشانگر نگرانی های عمیق سران استبداد از توان جنبش کارگری میهن ما و نقشی است که این جنبش می‌تواند در تحولات آینده ایفا کند.

جمعی از زندانیان سیاسی زندان گوهردشت کرج

بیانیه به مناسبت روز جهانی کارگر

جمعی از زندانیان سیاسی زندان گوهردشت کرج، طی بیانیه ای این روز بزرگ را به تمامی کارگران جهان بویژه کارگران ایران و سندیکای شرکت واحد به رهبری منصور اسالو تبریک گفته و اعلام نموده اند «میدوارم که با تلاش پیگیر مردم ایران روزی ما هم به آزادی های سیاسی، اجتماعی دست یابیم و از عموم ملت ایران [دعوت می‌کنیم] برای حمایت از کارگران در روز جهانی کارگر 11 اردیبهشت ماه در تهران و شهرستانها به خیابانها آمده و اعتراضات گسترده خود را به بی عدالتی، فقر، اخراج های گسترده و سلب حقوق اولیه کارگران ایران ابراز دارند.»

سازمان فدائیان (اقلیت)

## زنده باد اتحاد بین‌المللی کارگران

رفقای کارگر!

سالی پر از تلاطمات سیاسی در پیش است. تمام سرنوشت جنبش به دخالت طبقه کارگر وابسته است. بدون دخالت سیاسی فعال، متشکل و مستقل طبقه کارگر در رهبری جنبش توده‌های وسیع مردم، تغییر جوی در اوضاع و تحقق مطالبات مردم ایران رخ نخواهد داد. طبقه کارگر باید خود را برای انجام این رسالت بزرگ آماده کند.

رفقای کارگر!

متشکل شوید! کمیته‌های کارخانه و کمیته‌های اعتصاب را تشکیل دهید! اول ماه مه، روز جهانی کارگر را به عرصه قدرت نمایی کارگران تبدیل کنید و تمام توده‌های زحمتکش مردمی را که خواهان سرنگونی نظم ستم‌گراانه حاکمانند، به گرد پرچم سرخ کارگران متحد سازید. سازمان فدائیان (اقلیت) فرا رسیدن اول ماه مه، روز همبستگی بین‌المللی کارگران سراسر جهان را به طبقه کارگر ایران تبریک می‌گوید و سالی پر از پیروزی برای کارگران در نبرد علیه سرمایه‌داران و نظام سرمایه‌داری آرزو می‌کند.

کومه له زحمتکشان کردستان

## گرامی باد روز همبستگی جهانی کارگران

اکنون کارگران ایران در شرایطی به پیشوا روز کارگر می‌روند که از سوی رژیم سختترین فشارها بر زندگی و موقعیت این طبقه اعمال میگردد. تعطیلی کارخانجات تولیدی، بیکاری وسیع و فزاینده، عدم پرداخت حقوق معوقه، کاهش شدید دستمزدها به نسبت تورم و بالاخره سیاست دولت اسلامی در حذف یارانه‌ها، همه و همه بار مشقت بر کارگران را چند برابر نموده است. در کردستان گذشته از همه اجحافات فوق، سیاست تبعیض اقتصادی و جلوگیری و عدم صدور اجازه برای برپاساختن نهادهای تولیدی بزرگ، به دلیل سیاست تبعیض ملی، خیل عظیمی از کارگران کردستان را در سراسر ایران آواره نموده و بخش زیادی از سال را دور از خانه و کاشانه خود می‌گذرانند و مجبورند عمدتاً به کارهای شاق و طاقت فرسا تن دهند.

چریک‌های فدائی خلق ایران

## روز کارگر، روز همبستگی جهانی کارگر گرامی باد!

هدف پلید استثمار باز هم وحشیانه تر کارگران با کد یا نام مستعار "همت و تلاش مضاعف"، در شرایطی با وقاحت تمام اعلام شده است که دولت احمدی نژاد با تعیین 303 هزار تومان به عنوان حداقل دستمزد برای سال 89، عملاً حقوق کارگران را سه برابر کمتر از خط فقر اعلام شده تعیین نموده است. بر این اساس، کارگران ایران که بدلیل عدم تناسب دستمزدها با هزینه‌های یک زندگی کارگری مجبورند چند شغله شده و یا دو شیفت کار کنند و علیرغم این تلاش‌ها باز هم قادر به سیر کردن خود و خانواده‌شان نیستند. حال با این خواست سخنگوی بورژوازی حاکم مواجه هستند که با وقاحت تمام از آنها می‌خواهد جهت زنده ماندن، "تلاش مضاعف"ی بنماید.

## سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت):

## از مطالبات و اعتصاب غذای معلمان پشتیبانی کنیم!

دبیرخانه "شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران" در آستانه هفته معلم، مطالبات فرهنگیان را اعلام و در اعتراض به بازداشت معلمان و صدور احکام سنگین برای آن‌ها، از فرهنگیان خواسته است که در روز معلم گرد بیایند و دست به اعتصاب غذا بزنند. معلمان، کارگران و فعالین جنبش سبز! فرهنگیان عزیز!

هیئت سیاسی - اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) شأن، حرمت و منزلت شما فرهنگیان در جامعه را پاس می‌دارد، از مطالبات به حق شما و از اعتصاب غذای شما در روز معلم پشتیبانی می‌کند و مبارزه شما را برای آزادی زندانیان و حصول به مطالباتتان را ارج می‌گذارد. باشد که مبارزه مشترک معلمان، زنان، کارگران و زحمتکشان، فعالین ملی - قومی، دانشجویان و استادان، روزنامه‌نگاران، نویسندگان و هنرمندان، فعالین حقوق بشر و احزاب و سازمان‌های سیاسی به ثمر نشیند و کشور ما از یوغ استبداد رهائی یابد.

## هفت خواسته ی فرهنگیان اعلام شد

## معلمان اعتصاب غذا می کنند

دبیرخانه ی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران با انتشار بیانیه ای در آستانه ی هفته ی معلم، هفت خواسته ی فرهنگیان کشور را اعلام نموده و نوشته است معلمان کشور در اعتراض به بازداشت معلمین و صدور حکم زندان و اعدام برای آن‌ها و همچنین پیگیری خواسته های صنفی خود دست به اعتصاب غذا و تجمع خواهند زد.

1- خط قرمز هر صنفی نقض حرمت، شأن و منزلت افراد آن است. لذا خواسته اولیه فرهنگیان کشور آزادی سریع و بی قید و شرط همه ی فرهنگیان در بند و صدور منع تعقیب قضایی و لغو کلیه ی احکام اداری و قضایی صادره برای فرهنگیان منتقد است، تحقق این امر ضمن تلطیف فضا و کاستن از تنش‌ها نشان از درایت و حسن نیت مسوولان امر و رویکردی انسانی در حوزه آموزش و پرورش دارد.

2- رفع فضای امنیتی از مدارس و ادارات آموزش و پرورش، تأمین امنیت شغلی فرهنگیان و پرهیز از مخبرپروری در فضای مقدس کلاس و مدرسه و اجتناب از پرونده سازی برای فرهنگیان منتقد.

3- اصلاح نگاه مسوولان و تصمیم گیران کلان کشور به آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد زیربنایی نه مصرفی.

4- عدم تخصیص درآمدهای ملی نفت و گاز به هزینه های جاری و صرف آن در امور زیربنایی مانند آموزش و پرورش و بهداشت.

5- پرهیز از هر گونه رفتار جناحی و خطی و سیاست بازی در تألیف کتب درسی و معیار قراردادن نظر همکاران متخصص.

6- فراهم آوردن امکانات لازم و در حد استاندارد در مدارس دولتی به منظور جلوگیری از تنزل جایگاه و افت تحصیلی مدارس دولتی مطابق اصل 30 قانون اساسی.

7- رفع تبعیض درون و برون سازمانی در خصوص دارندگان مدارک تحصیلی فوق لیسانس و دکترا در آموزش و پرورش.



## در آستانه ی روز معلم

## بازداشت اعضای کانون صنفی معلمان

در حالی که تنها چهار روز به 12 اردیبهشت روز معلم مانده است، صبح روز چهارشنبه، هشتم اردیبهشت ماه ماموران وزارت اطلاعات با مراجعه به خانه های علی اکبر باغانی دبیرکل کانون صنفی معلمان و محمد بهشتی لنگرودی سخنگوی این کانون، آنها را دستگیر کردند. این دو روز شنبه چهارم اردیبهشت ماه به دادگاه فراخوانده شده و با حضور در دادگاه به سوالات قاضی پاسخ داده و سپس به منازل خود بازگشتند. که روز چهارشنبه هشتم اردیبهشت، ماموران وزارت اطلاعات به طور همزمان به منازل این دو معلم رفته و آنها را با خود بردند. از شهرستان‌ها نیز خبر میرسد که معلمان تحت فشارهای فزاینده قرار گرفته اند. طی روزهای اخیر چهار معلم در شهر همدان پس از احضار بازداشت شده اند. جلال نادری، علی نجفی، محمد خانی و سعید جهان آرا طی تماس تلفنی به دادگاه دعوت شدند اما پس از مراجعه بازداشت شده اند.

این شورا هم چنین از معلمان خواسته تا در روز 12 اردی بهشت در تهران بر سر مزار ابوالحسن خانلی معلم کشته شده در حکومت پهلوی در گورستان ابن بابویه و در قم بر سر مزار مرتضی مطهری حاضر شوند.

## طبقه کارگر، یگانه محرک چرخ تکامل تاریخ

مبارزان رزم طبقاتی، جبهه مبارزان استثمارشوندگان بر علیه استثمارگران، و تشدید مبارزه بین طبقات دارای منافع آشتی ناپذیر است که، مختصات آنها را مارکس تبیین کرده است. به عبارت دیگر، مبارزه در راه تحقق ایده مالکیت اجتماعی و تکامل دیالکتیکی تاریخ.

ناگفته پیداست که در دوران حاضر، بورژوازی ضمن تسلط گسترده بر تمام جوانب زندگی اجتماعی، موانع و مشکلات بسیار جدی در راه مبارزه پرولتاریا ایجاد کرده و پیکار طبقاتی را دچار اختلالات سختی نموده است. یعنی شرایط موجود امروزی شکل بسیار پیچیده تر و بغرنج تری بخود گرفته است. بار دیگر این سخن کارل مارکس و فریدریش انگلس که در سال 1847 به نمایندگی از سوی دومین کنگره اتحادیه کمونیست‌ها در مقدمه مانیفست حزب کمونیست نوشتند: «شبحی در اروپا در گشت و گذار است - شبح

کمونیسم. همه نیروهای اروپای کهن برای تعقیب مقدس این شبح متحد شده‌اند: پاپ و تزار، مترنخ و گیزو، رادیکالهای فرانسه و پلیس آلمان ... کجاست آن حزب اپوزیسیونی که مخالفینش، که بر مسند قدرت نشسته‌اند نام کمونیستی روی آن نگذارند؟ ... کجاست آن حزب اپوزیسیونی که بنوبه خود داغ اتهام کمونیسم را خواه بر پیشگامترین عناصر اپوزیسیون و خواه بر مخالفین مرتجع خویش نزنند؟ ... همه قدرتهای اروپا اکنون دیگر کمونیسم را بمثابة یک قدرت تلقی میکنند. بار دیگر شبح کمونیسم نه فقط در اروپا، بل، در سراسر جهان در گشت و گذار است و باز هم ارتجاع سرمایه داری همۀ نیروی خود را بر علیه پرولتاریا بمیدان آورده است. میدانی سخت فراخ و نیروهائی سخت متلون که بورژوازی بنام تمدن، تواندیشی و نوگرایی بسیج کرده است. با این همه، پرولتاریا مجبور است مبارزه خود در راه برقراری عدالت اجتماعی با هشیاری و دقت هر چه بیشتر ادامه دهد و نیز مؤظف است همچنانکه تمام طبقات پیشین، پس از رسیدن به سیادت، می کوشیدند آن وضع و موقع حیاتی را که پهنک آورده‌اند تحکیم کنند و تمام جامعه را به شرایطی که طرز تملک آنها را تأمین کند، تابع سازند... (مانیفست). شرایطی منطبق با منافع حیاتی طبقه کارگر، یعنی منافع اکثریت جامعه، بوجود آورد.

روشن است که، امپریالیسم غرب در ورای شعارهای سرتی «دمکراسی، حقوق بشر و تأمین امنیت ملی» طبقه کارگر را به انقیاد کشیده، منکوب کرده است. در کشور ما، ایران، رژیم اسلامی، با سوءاستفاده از وضعیت ناهنجار جهانی و در پشت شعارهای بی محتوای «عدالت اسلامی و عدالت محوری»، از یک سو، موقعیت دلالتان بازار و رانت خواران حکومتی را تحکیم بخشیده و در سوی دیگر، با تکیه بر نیروهای نخبه‌پس، فعالین تشکل های صنفی کارگری، جنبش های دانشجویی، برابری طلبانه زنان و بطور کلی هر آنکه را که صادقانه از حقوق انسانی زحمتکشان فکری و بدی دفاع می کند، مورد ضرب و شتم و فشارهای دائمی قرار داده و رهبران آنها را روانه اسارتگاه های سرمایه داری نموده است.

در چنین اوضاع و احوالی، باید روز همستگی کارگران جهان را به روز مبارزه با وعده وعیدها، نیرنگ ها و عوام فریبی های حکومت های سرمایه داری تبدیل کرد و به همه مردم نشان داد که جایجائی مهره های وفادار به سرمایه، هیچ نتیجه و دستاوردی جز تحکیم پایه های بورژوازی انگلی نداشته و نخواهد داشت. اینک، زمان، زمان طرح مطالبات طبقاتی و ارتقاء سطح مبارزه برای تحولات بنیادی اقتصادی - اجتماعی است.

طبقه کارگر بمثابة یگانه آفریننده تمام نعمات مادی و معنوی بشری و نیروی محرکه اصلی چرخ تکامل تاریخ، که با حداقل امکانات و فقط تا حد نیاز برای زنده ماندن و تولید ارزش اضافه، به حیات خود ادامه می دهد، تنها با مبارزه متشکل در تشکل های صنفی و حزب سیاسی خویش می تواند نقش تاریخی خود را برای دستیابی به حقوق انسانی و برقراری نظم اجتماعی عادلانه ایفاء نماید. روز همستگی جهانی کارگران، فرصت دیگری است برای طرح دگر باره این نیاز حیاتی طبقه کارگر!

دریافتی از طریق امیل

اول ماه مه، یازدهم اردیبهشت ماه، روز همبستگی جهانی کارگران فرامی رسد. روز طبقه کارگر، طبقه ای که تنها باتکاء نیروی جسم و خرد خویش، در پیشاپیش دیگر اقشار و طبقات اجتماعی، حرکت نموده، تمام ضروریات زندگی بشری را تأمین کرده، علوم و تکنولوژی را تکامل می بخشد و بطور کلی، جهان را در مسیر رشد و ترقی به پیش می برد. یک روز از یک سال تمام، برای بزرگداشت طبقه کارگر، طبقه ای که اکثریت قریب به اتفاق جامعه انسانی را تشکیل می دهد، نام گذاری شده است. برگزاری پرشور و با شکوه مراسم این روز، مظهر و تجلی بزرگداشت و همبستگی کارگران و زحمتکشان سراسر جهان و تجلیل از مقام شامخ کار و طبقه کارگر، طبقه کاوشگر و آفریننده، سازنده و خلاق در فرایند تولید و تأمین نیازمندیهای مادی و معنوی بشری، روزی متفاوت از روزهای دیگر برای بیان مشکلات، مطالبات و خواستههای مشترک کارگران و زحمتکشان همه جهان است.

اغلب مدتی پیش و پس از برگزاری مراسم جشن همبستگی بین المللی طبقه کارگر، بحث و جدلها پیرامون جایگاه و نقش طبقه کارگر در جوامع پیشرفته امروزی، حتی در میان آن بخش از مردمی که خود را کمونیست می نامند، وسعت و شدت بیشتری بخود می گیرد. بحثهای گاهاً خطرناکی که، باید بطور قاطع و روشن تشخیص داد و در جهت تصحیح و تدقیق آن کوشید.

این روزها بحث میان نظریه پردازان و عملگراها، بر سر آن است که برخی ها معتقدند امروزه، ساختار نیروهای مولده تغییر یافته و درک سنتی مارکسیستی از طبقه کارگر موضوعیت خود را از دست داده است. یعنی، نقش پیشاهنگ انقلابی این طبقه در جامعه به پایان رسیده است و طبقات تولید کننده ارزشهای مادی و معنوی دیگری هم در خط مقدم مبارزه حرکت می کنند. اما، پیروان این طرز تلقی از طبقه کارگر باید توجه داشته باشند که، برداشت مارکس از طبقه کارگر تنها به این بعد محدود نمی شود، بلکه، موقعیت افرادی را نیز که در فرایند نظام تولیدی فاقد ابزار کار بوده و با فروش نیروی خرد، عقل و دانائی خویش، تنها برای تجدید و ترمیم نیروی از دست رفته در روند کار، تن به استثمار می دهند، را هم در برمی گیرد. این گروه انسانها نه تنها هیچ گونه منافعی مغایر با منافع عمومی طبقه کارگر ندارند، بلکه، بخش بزرگی از خود این طبقه را نیز شامل می شوند.

بنابراین، تردیدی در این واقعیت نیست، که طبقه کارگر نه تنها از بین نرفته و موقعیت انقلابی منحصر بفرد خود را در جامعه از دست نداده است، حتی، بمثابة یک طبقه اجتماعی عمیقاً انقلابی، نقش خود را گسترش داده، تحکیم بخشیده و نیز بعنوان تنها طبقه مولد همه نعمات مادی و معنوی مورد نیاز حیات بشری، همچنان از موقعیت کلیدی ویژه ای برخوردار است. پرواضح است که ما در دنیای مادی، با بهره گیری از تولید مادی، دنیائی که اکثریت انسانها، به نحوی از انحاء، بلاواسطه به تولید ارزش های مادی و معنوی اشتغال دارند، زندگی می کنیم. یعنی، تداوم زندگی انسان، با کار طبقه کارگر، پیوند ناگسستنی دارد. طبیعتاً اگر روند تولید متوقف شود، ادامه زندگی ممکن نخواهد شد. در این صورت، مبارزه طبقه کارگر برای تأمین و تحکیم موقعیت برتر سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود در جامعه، امری طبیعی است و در این مبارزه، بگفته مارکس، هیچ چیزی جز زنجیرهایش برای از دست دادن ندارد.

طبقه کارگر می تواند و باید در پروسه کار - کار فکری یا یدی - سازمان یافته، و از این سازمان یابی، در مبارزه برای آزادی خویش و دیگر اقشار محروم و تحت ستم جامعه از قید و بند استثمار بهره مند گردد. یعنی، تا زمانی که طبقه کارگر، دیگر اقشار و لایه های اجتماعی و در وهله اول، پرولتاریای کار فکری، پرولتراهای تعیین کننده مسیر هدفمند کار را از قید و بند استثمار آزاد نکند، نمی تواند خود را آزاد سازد. با درک همین موقعیت طبقه کارگر، طبیعتاً پیگیرترین مبارزان ضد استثمار، دیر یا زود، مواضع طبقه کارگر را خواهند پذیرفت و در مبارزه عمومی بر علیه نظم ناهنجار سرمایه داری شرکت خواهند کرد. و این هم بمعنی تکمیل جبهه



**اول ماه مه روز جهانی کارگر بر همه کارگران و زحمتکشان جهان مبارک باد!**

## نقش و جایگاه جنبش زنان کارگر

بررسی علل و ریشه های تاریخی ستم جنسیتی که بر زنان روا داشته می شود، بیان گر آنست که ستم جنسیتی پیوندی تنگاتنگ با پیدایش جامعه طبقاتی و مالکیت خصوصی بر ابزار تولید داشته، و ارتباطی ناگسستنی با موقعیت اجتماعی و انسانی زنان بعنوان جنس ستم دیده - از نظر اقتصادی - و در انقیاد دارد. همچنین با کنار گذاشته شدن زنان از صحنه های اجتماعی و اقتصادی همراه بوده است. ستم جنسیتی با قوانینی نانوشته و مرد سالار، زنان را در شرایط کنونی و در مبارزه برای آزادی و کسب حقوق دمکراتیک و ایجاد پایه های مادی لازم برای آزادی و حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و تغییر در شرایط دیرینه مقهور خود ساخته است. جنبش زنان که شامل نیمی از جمعیت جهان می شود، جنبشی فاقد ایدئولوژی یکپارچه و پایدار و عوامل ملی، فرهنگی و دینی است. موضوعی که نقش نیرومندی در تضعیف و عدم تشکل یابی و تقویت جنبش زنان دارد. زنان کارگر در این جنبش بعنوان یک نیروی مؤثر و پیشگام و با آگاهی از اینکه علل انقیاد و فرودستی زنان با ساختار سرمایه داری گره خورده است، در این جنبش اجتماعی، سیاسی و اقتصادی همواره در صف مقدم قرار دارند.

پیوستن زنان کارگر به مبارزات انقلابی طبقه کارگر، بیانگر برخورداری زنان کارگر از آگاهی و دانش اجتماعی زنان کارگر می باشد. امروز زنان کارگر وارد عرصه های جدید مبارزاتی گردیده و با اعتماد بنفسی قابل ستایش در برابر چالشهای جدید و ضربات وارده از جانب ارتجاع دینی و حاکمان نظامی ایستادگی نموده و مبارزه می کنند. این زنان که بخشی از طبقه کارگر کشورمان محسوب می گردند، کارگرانی هستند نه تنها از ثمره درآمدهای خود بی نصیب اند، بلکه درآمد حاصله از کار آنان، درآمد دوم و مکمل برای خرج خانواده قلمداد می شود. آنان بخوبی درمی یابند که برای رهایی از باتلاق عقب ماندگی، کهنه پرستی و تاریک اندیشی، مصایب سرمایه داری، و گام نهادن در مسیر آزادی، رفاه و عدالت تنها راه ممکن در هم شکستن ماشین سرمایه داری و حاکمیت سرمایه محور می باشد.

شرایط اجتماعی و سیاسی حاضر می طلبد که زنان کارگر با نیروی خودآگاه خود، بطور سازمان یافته برای تشکیل سندیکاها و اتحادیه های خویش، برای تأمین حقوق و تحقق خواسته های خود، برای تقسیم عادلانه ثروت اجتماعی و محو نابرابری تلاش ورزیده، و مبارزه خویش را برای تغییر روند تاریخی، روندی که ناشی از تضاد کار و سرمایه است را سازماندهی کنند. تمامی رهبران طبقه کارگر بر این باورند که مبارزه زنان برای تسلوی حقوق، پاره کردن قیود بنده گی و رهایی بنیادین و پایدار خویش، بدون ارتقای سطح اقتصادی، فرهنگی و

آموزشی امری ناشدنی است. آنان اهمیت و درک صحیح این مسئله را جزئی از مبارزه طبقه کارگر بعنوان هدفی واقعی مطرح کرده و آزادی زنان را جزء وظایف اجتماعی و سیاسی جامعه و در جهت منافع کل بشریت بیان کرده اند.

با فرو رفتن کشور در بحران عمیق سیاسی - اجتماعی و اقتصادی، تأثیر روند ادامه دار بحران ساختاری سرمایه داری و تحریم های اقتصادی، رشد شدید تورم، رشد نرخ بیکاری، تعویق در پرداخت دستمزدها، افزایش بهای مسکن، نابرابری جدی در توزیع درآمد، کاهش رشد اقتصادی، ناتوانی رژیم در حل معضلات اجتماعی، رشد سرسام آور فساد اداری و ... را شاهد هستیم. تداوم فقر، گسترش جرم و جنایت، اعتیاد و ... همگی در حالی رخ می دهد که استثمار وحشیانه سرمایه از نیروی کار با دستمزدهای پائین (حتی پائین تر از حداقل دستمزد تعیین شده) ادامه دارد.

جامعه ی طبقاتی که انقلاب اطلاعاتی را تجربه می کند، با دو پدیده بسیار مهمی روبروست، که لریزه بر ارکان نظام سرمایه داری انداخته است. اخراج گسترده کارگران که فن آوری اطلاعاتی جای آنها را گرفته، و بیکاری بزرگ کارگران. هر چند



که تنوع استفاده از نیروی کار توسط سرمایه با کاهش کارگران صنعتی و یدی و اخراج های توده ای کارگران از کار همراه بوده است. از طرفی دیگر سرمایه داری سود محور با افزایش شمار زنان کارگر و بکار گمردن زنان در کارهایی با قراردادهای غیر دائم، با موقعیت های شغلی و دستمزدهای پائین، کاهش خدمات (مهد کودکها)، حذف مزایای دوران بارداری، با ایجاد فضای کار ناامن و حرکت های ایذائی جنسیتی برای زنان کارگر و در استفاده از کار کودکان و کارگران مهاجر ارزان و اخراج کارگران قدیمی و استخدام نیروی کار جدید در جهت پائین نگه داشتن دستمزدها بدنبال سود هر چه بیشتر است.

زنان کارگر باید در کنار خواسته های اصلی خود مانند؛ افزایش دستمزدها (مهم ترین خواست

کارگران)، حل معضل بیکاری، توقف اخراج ها، دستمزد مساوی، بایستی در جهت گیری مبارزاتی شان حول هر محوری از حقوق زنان از جمله حق طلاق، بیمه ی زایمان، بیمه ی زنان خانه دار، تصویب قوانین حمایتی از زنان، هر حرکت اجتماعی که برای کاهش بار زنان خانه دار باشد و هر اقدامی که بتواند از عمق تعصبات سنتی، دینی علیه زنان بکاهد و نگرش برده دارانه را در میان توده های مردم ریشه کن کند، فعالانه حضور داشته باشند. برای این منظور جلب حمایت توده های زحمتکش زنان روستائی و سایر زحمتکشان شهر و ده ضروری است. مبارزه و فعالیت زنان باید در ابعاد گسترده تری سازماندهی گردد. مبارزه برای حقوق زنان، مبارزه ای برای تحقق ابتدائی ترین حقوق انسانی است. مبارزه کارگران برای دستیابی به حقوق حقه شان از مبارزات دانشجویان، زنان و سایر جنبش های اجتماعی جدا نیست. مبارزه با تبعیض جنسیتی و قومی در محیط کار، برای جلوگیری از اخراج های کارگران و تضییع هر چه بیشتر حقوق کارگران، برعلیه خصوصی سازی و فاصله دستمزدها، بر علیه بیکاری و منع کار کودکان، جزئی از مبارزات کارگران در برابر حافظان شرایط موجود است، که زنان را با مستمسک های دینی و سنتی و برای توجیه و تداوم خلج ید از زنان از حیات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دور نگه داشته و آنان را در شرایط برده گی و ستم دیده گی نگه می دارند.

مبارزه زنان و کارگران علیه اندیشه های نئولیبرالی شکست خورده - که غیر از فقر و تنگدستی و بیکاری و بی ثباتی ره آوردی نداشته - در پیوند و همبستگی با جنبش جهانی کارگری برای تغییر در نظم موجود و رهایی از قید سرمایه داری است.

جنبش اعتراضی - اجتماعی که در پی اعلام نتایج دست

کاری شده انتخابات ریاست جمهوری سال 88 شکل گرفت، بخش عمده ای از اقشار و گروههای اجتماعی را با خود همراه کرد. بطوریکه حتی بخشی از با سابقه ترین نیروهای رژیم با فاصله گیری و کنده شدن از اصل ولایت فقیه، به جنبش اعتراضی مردم پیوستند. این جنبش اعتراضی که بر آمد نفعی عمومی از 30 سال حاکمیت استبداد دینی و دیکتاتوری جمهوری اسلامی است، بر بستر یک دوره تاریخی در عرصه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی صورت گرفته است. حاکمیت استبدادی - دینی، که با بحران مشروعیت مواجه گردیده در شرایطی است که تنها می تواند با سرکوب و خشونت هر چه بیشتر جنبش اعتراضی را وادار به رکود و سکون کرده و به شکست بکشاند.

جنبش کارگری بر اساس تجارب تاریخی، بدرستی به این امر واقف گردیده که بدون گذر از استبداد نمی توان ارتجاع و سرمایه داری را به عقب نشینی وادار کرد. سرمایه حاضر نیست در برابر خواست های بر حق کارگران به راحتی و داوطلبانه تسلیم شود. کارگران روز اول مه، روز کارگر را به روز مرگ استبداد و دیکتاتوری و روز مرگ سرمایه بدل خواهند نمود.



## رفع ستم جنسی، در گرو مبارزه علیه سرمایه داری و ارتجاع حاکم

## حداقل دستمزد و رشد فقر کارگران

مسئله‌ی دستمزد کارگران در ایران و تعیین حداقل آن هر ساله مورد بحث کارگران و محافل کارگری بوده و مداوماً چالش بزرگی در این زمینه وجود دارد. بار دیگر در آستانه سال نو و بسان سالهای گذشته، موضوع دستمزدها و تعیین حداقلی برای آن به سوژه‌ای پر اهمیت برای جامعه کارگری کشورمان تبدیل شد. موضوعی که پس از کش و قوس هاس نهران و آشکار با تعیین افزایش 15 درصدی حداقل دستمزدها فعلاً خاتمه یافته است. این چالش از دو جهت بایستی مورد بررسی قرار گیرد. نخست آنکه حداقل دستمزد در ایران بسیار پائین‌تر از سطح جهانی است، دوم آنکه علیرغم همین دستمزدهای پائین باز هم رقم بیکاری در ایران از بالاترین رقم‌های بیکاری در سطح جهانی است.

### موضوع دستمزدها

دستمزد، بعنوان مقوله‌ای برای برخورداری انسان از حداقل نیازهای غذایی، سکونتی، فرهنگی و حقوق انسانی، در وهله نخست بایستی به عنوان یک مقوله‌ی اقتصاد بورژوازی نگریسته شود. موارد یاد شده اساساً حقوق انسانی اند و مسایل و محدودیت اقتصادی یک جانبه باید توسط خود افراد جامعه شناخته شوند و در تامین این حقوق ملحوظ شود، نه برعکس.

کارگران افزایش حداقل دستمزد برای داشتن یک زندگی شرافتمندانه را تنها بخش اولیهی خواسته‌های خود می‌دانند. هر چند تعیین حداقل دستمزد مساله بسیار مهمی است و همواره از خواست‌های محوری کارگران بوده است، اما این موضوع به تنهایی نمی‌تواند مشکل کارگران و نیروی کار را حل کند، بلکه لازم است در کنار آن به خواسته‌های دیگر مزدبگیران نیز پرداخته شود. خواسته‌هایی که هر کدام از آنها برای زندگی کارگران اهمیت به سزایی دارد. از آن جمله است:

- 1- حق ایجاد تشکل‌های مستقل
  - 2- توقف اخراج کارگران
  - 3- رفع تبعیض جنسیتی و قومی
  - 4- منع کار کودکان
  - 5- آزادی کارگران زندانی
  - 6- همبستگی با دیگر جنبش‌های اجتماعی کشورمان مانند: جنبش زنان، دانشجویان، معلمان و پرستاران
  - 7- مشارکت فعال در مبارزات دمکراتیک و جنبش‌های اعتراضی و مطالباتی کشورمان
  - 8- همبستگی با کارگران جهان
- این خواسته‌ها از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند.

### چگونگی تعیین دستمزد

همه ساله در آستانه سال جدید شورای عالی کار متشکل از نمایندگان دولت، کارفرمایان و کارگران - شوراهای اسلامی کار، خانه کارگر که خود تشکل‌های دولتی و وابسته به حاکمیت اند، همواره نمایندگی انتصابی کارگران را در این شورا در اختیار داشته‌اند - روی تعیین حداقل دستمزدها توافق می‌نمایند. امسال نیز طبق روال سالهای قبل شورای عالی کار روی این موضوع توافق نمود. در شرایطی که آمارها حاکی از تورم 26 درصدی دارد، افزایش حدوداً پانزده درصد به دستمزدها محصل هفته‌ها بحث و مجادله جامعه کارگری با کارفرمایان و دولت بوده است. از آنجائیکه در کشور ما با توجه به ساختارها و مناسبات تولیدی، دولت نماینده سرمایه داران بعنوان طبقه حاکم بوده، و خود بواسطه در اختیار داشتن بنگاههای اقتصادی کلان، کارفرمایی بالفعل بشمار می‌آید، حضور نماینده دولت و کارفرمایان (سرمایه داران) در شورای عالی کار در حقیقت ترکیب شورا را 2 به 1 بنفع آنها نموده، این در حالی است که نماینده کارگران هم خود نوعی منتصب کارفرمایان می‌باشد و عملاً نقشی خنثی و یا حداقل کم تأثیر در شورای مزبور بخصوص در تعیین حداقل دستمزدها دارد.

### دستمزد کارگران و خط فقر

موضوعی که برای جامعه کارگری و حقوق بگیران کشورمان اهمیت دارد، معیارها و پارامترهای است که باید در تعیین حداقل دستمزد کارگران مد نظر قرار گیرد. تا حقوق دریافتی حداقل نیازهای خانوارهای کارگری را برای ادامه حیات شان در سطح کارگران سایر کشورهای سرمایه داری و مقابله نامه‌های بین المللی فراهم سازد.

از آنجائیکه اکثریت کارگران شاغل در ایران ساکن شهرهای متوسط، بزرگ، بسیار بزرگ و ایرشهرها هستند و اکثریت آنها در زیر خط فقر نسبی و یا مطلق قرار دارند، بنابراین مبنای قرار دادن هزینه‌های خانوار شهری به عنوان پایه‌ی محاسبات برای برآورد سطح حداقل دستمزد و سطح دستمزد مورد نیاز برای قرار گرفتن کارگران در بالای خط فقر نسبی و مطلق مناسب می‌باشد.

براساس حقوق انسانی حداقل دستمزد بایستی بتواند حداقل ضرورت‌های زیستی و معیشتی و حتی کمتر از حداقل برای خدماتی مانند پوشاک، مسافرت و تفریح و فعالیت‌های فرهنگی را برای یک خانوار 4 نفری تأمین نماید. طبق برآورد کارشناسان اقتصادی مستقل برای تأمین چنین نیازهایی در سال 88 هر خانوار 4 نفره بایستی ماهیانه حداقل 781 هزار تومان درآمد می‌داشت، تا زیر خط فقر قرار نمی‌گرفت. با احتساب حداقل 25 درصد تورم برای سال جاری (89) که پیش بینی می‌شود با اجرایی شدن طرح هدفمندسازی یارانه‌ها، به مراتب بیشتر از این رقم خواهد بود. - بسیاری از کارشناسان اقتصادی حکومت، بودجه 1389 را تورم زا ارزیابی کرده و معتقدند با 13 میلیارد دلار کسری بودجه، نرخ تورم تا سقف 40 درصد افزایش خواهد داشت - مبلغ مزبور برای خانواده 4 نفره به حداقل 986 هزار تومان بالغ می‌گردد، مشاهده می‌شود که تعیین رقم 303 هزار تومان برای حداقل دستمزد در سال 89، تنها یک سوم مبلغ مورد نیاز برای خروج از زیرخط فقر خواهد بود. با این مبلغ اکثریت کارگران و مزدبگیران کشورمان عملاً زیر خط فقر به حیات خود ادامه خواهند داد. این مبلغ حتی با حداقل حقوق در کشورهای همجوار مانند ترکیه و امارات و کویت فاصله زیادی دارد. در حالی که هزینه‌ی زندگی در کشور فوق حدوداً یکسان است.

طبق برآورد کارشناسان مستقل به طور متوسط در حدود 77 درصد از خانوارهای شهری هزینه‌ی مصرفی کمتر از هزینه‌ی متوسط دارند و این به معنای آن است که 77 درصد از خانوارهای شهری زیر خط فقر نسبی اند. برآورد برای خط فقر مطلق از 17 درصد (آمارهای دولتی) و 32 درصد جمعیت شهری و حتی 45 درصد جمعیت شهری (در برخی برآوردهای تفاوت دارد.

گران شدن سال به سال مواد غذایی که در کنار مسکن بیشترین افزایش قیمت در نرخ تورم را تجربه کرده، موجب گسترش فقر و محرومیت شده است. از آنجائیکه هزینه مسکن با احتساب کارگرانی که دارای مسکن می‌باشند، بالغ بر 22 درصد از درآمدهای خانوارهای کارگری را شامل می‌گردد. کاهش 10 تا 20 درصد در درآمد خانوار، که با روند موجود دور از دسترس نیست، خانوارهای کارگری را که داری خانه می‌باشند را نیز به زیر خط فقر مطلق پایین خواهد کشید. خانوارهای کارگری را مجبور خواهد ساخت تا در میزان مصرف حداقل مواد غذایی نیز صرفه جویی کنند و محرومیت بکشند یا در بلندمدت از شمار اعضای خانوار خود بکاهند، اما متعادل ساختن هزینه‌ها با درآمد امریست بسیار دشوار، پرفشار، محرومیت زاه خفقان آور و ناشدنی، که بایستی منتظر اعتراضات اجتماعی، شورش گرسنگان و سرکوب همه جانبه‌ی نارضایتی‌ها و اعتراضات اجتماعی بود.

### ایجاد اشتغال توجیهی برای پایین نگه داشتن دستمزد

مسئولان حکومتی مدعی اند که: با بالا رفتن حداقل دستمزد، تورم افزایش یافته و بیکاری گسترش می‌یابد. واقعاً چنین استدلالی پایه منطقی و علمی دارد؟ افزایش حداقل دستمزد تأثیری در افزایش شمار بیکاران نداشته و تأثیر چندانی هم بر تورم ندارد، مگر یک یا دو درصد آن هم به صورت گذرا. برآوردهای مبتنی بر علم اقتصاد و نه ادعاهای سیاسی، نشان می‌دهد که افزایش 100 درصدی حداقل دستمزد، تنها در اوایل سال حداکثر 2/5 درصد تورم را موجب خواهد شد. باتوجه به اینکه دستمزدها در طول سال ثابت بوده ولی تورم متغیر و روندی صعودی دارد، این تأثیر تا آخر سال به کمتر از نصف کاهش خواهد یافت. این ادعا کپی ادعای دولت‌مردان جمهوری اسلامی در حذف الزامات قانون کار بود که در بوق و کرنا می‌دمیدند که باحذف چنین الزاماتی اشتغال ایجاد خواهد شد. با چنین استدلالی حتی پوشش قانون کار را از کارگاه‌های 10 نفره برداشتن، اما نه تنها ایجاد اشتغالی اتفاق نیافتاد، بلکه تنها طی سال گذشته بیش از 500 هزار نفر از کار اخراج و بر تعداد بیکاران کشور بصورت تصاعدی افزوده شد.

مسئله بیکاری با نرخ‌های بالا با موضوع حداقل دستمزد ارتباطی دوجانبه دارد. نخست آنکه صاحبان سرمایه و مدیران بنگاههای اقتصادی از بیکاری کارگران سوء استفاده کرده از اعتراضات آنان جلوگیری می‌کنند و در مواقعی که آنان به مرز گرسنگی می‌رسند، به راحتی آنان را با دستمزدی پایین‌تر از حداقل تعیین شده به کار می‌گمارند. شمار بیکاران کشور بنابر آمارهای بانک مرکزی از 7/2 میلیون نفر (18/5 درصد) تا 6 میلیون نفر مطابق گزارش‌های غیر

## از مبارزه کارگران برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری حمایت کنیم

## زنده باد کمونارها به مناسبت نخستین انقلاب کارگری



18 مارس 1871 روز نخستین انقلاب کارگری است. نخستین بار در تاریخ جهان بود که بورژوازی سرنگون گردید. در روز 26 مارس انتخابات شورای کمون برگزار شد. هشتاد و پنج نفر که نیمی از آنها از کارگران و بقیه از میان روشنفکران دموکرات مانند کارمندان، پزشکان، آموزگاران، روزنامه نگاران بودند. و این نشان می داد که شورای کمون از نمایندگان زحمتکشان پاریس تشکیل شده بود. کارگران نقش اصلی را در شورا داشتند. روز 28 مارس تشکیل حکومت جدید اعلام شد. این حکومت را کمون پاریس نام نهادند. مردم پاریس این رویداد بسیار مهم را با شادمانی وصف ناپذیری جشن گرفتند. زمانی که کمیته مرکزی گارد ملی قدرت را به شورای کمون انتقال نمود مردم با شادی و هلهله با فریادهای بلند زنده باد کمون را سردادند. کمون پاریس، دولتی تراز نوین و دولت طبقه کارگر بوده، این دولت نخستین تجربه قیام کارگران بود که ثابت کرد پس از پیروزی نباید به دستگاه دولتی بورژوازی که بر مبنای ستم بر زحمتکشان ساخته شده است تکیه کرد. چشم گیرترین اقدام کمون:

- واگذاری هر چه فوری کارخانه ها بخود کارگران بود. بخصوص کارخانه هایی که صاحبانشان از پاریس گریخته بودند.
- دستگاه دینی از دولت جدا شد.
- دستور دایر بر مجانی و همگانی شدن آموزش و پرورش صادر شد.
- تشکیل کودکانستان ها و مراکز تربیتی کودکان بی سرپرست اعلام گردید.
- سازمانهای زنان و جوانان زحمتکش سریعاً شکل گرفتند.
- پیوند کمون با دهقانان نیز اعلام و صد هزار نسخه اعلامیه بعنوان زمین از آن دهقان می باشد چاپ و توسط بالونها در روستاها پخش گردید.

اما عمر کمون با تمامی کوتاهی اش تأثیری بی کران در مبارزات بعدی طبقه کارگر در سراسر جهان برجای گذاشت. در آخرین روزهای حمله ناچارمندان ضد انقلاب به پاریس کمونارها مرد و زن و کودک خانه به خانه، کوچه به کوچه مقاومت کرده و کشته شدند. در روز 28 مه آخرین سنگرهای پاریس در میان خون و آتش با دنیایی پر از اندوه سقوط کرد و بدینسان ضد انقلاب به پیروزی رسید، دولت ورسای بسیار وحشیانه بقیه کمونارها را اعدام کردند. اما کمونارها به هنگام تیرباران سرشان را بالا می گرفتند و شعار زنده باد کمون را سرمی دادند.

## مصوبه انقلابی کمون پاریس برای جدائی دین از دولت

نظر به اینکه نخستین اصل از اصول جمهوری فرانسه [1]، آزادی است؛  
نظر به اینکه اولین اصل آزادی، آزادی اندیشه است؛  
نظر به اینکه بودجه ی ادیان خلاف اصل آزادی اندیشه است؛ زیرا شهروندان را برخلاف اعتقاد شخصی شان مجبور به پرداخت مالیات می کند؛  
نظر به اینکه روحانیت، در عمل، شریک جرم جنایات رژیم سلطنتی، علیه آزادی بوده است؛  
کمون پاریس مقرر می دارد:

- ماده 1- کلیسا از دولت جداسد.
- ماده 2- بودجه ادیان حذف می شود.
- ماده 3- اموالی که به آنها موقوفه [2] گفته می شوند و متعلق به جمعیت های دینی هستند، اعم از منقول و غیر منقول، به مالکیت ملی در می آیند.
- ماده 4- برای تعیین ماهیت این اموال، سریعاً، تحقیقی به عمل می آید، تا در اختیار ملت قرار گیرند.

رسمی برآورد شده است. گزارش آماری اسفند 88 بیکاری در میان جوانان که 70 درصد جمعیت را تشکیل میدهند، را 21/8 درصد است. صاحبان سرمایه همواره این امکان را دارند که با جایگزینی نیروی کار جدید، دستمزدها را پایین نگه داشته و از افزایش دستمزد جلوگیری کنند. جنبه ی دیگر آن که صاحبان کارگاههایی که با تکنولوژی عقب مانده تر کار می کنند و در معرض رقابت با کالاهای ارزان جهانی قرار دارند، به راحتی سرمایه های خود را از بخش تولید و خدمات به بازار مالی رباخواری و دلالی منتقل کرده و کارگران خود را بدون هیچ تعهدی به خود وامی گذارند. متأسفانه قوانین حمایتی برای جلوگیری از اخراج کارگران بسیار ضعیف بوده و به نحو اعجاب انگیزی از کارفرمایان دفاع می کند.

واقعیت این است که حداقل دستمزدها سال به سال روند نزولی داشته و افزایش آن متناسب با تورم نبوده است. از طرفی دیگر نرخ تورم اعلام شده بنابه دلایل سیاسی و اقتصادی همواره دستکاری می شود. برآورد اقتصاددانان در این سی سال همواره بیشتر از تورمی است که بطور رسمی اعلام می شود. نتیجه منطقی چنین روندی کاهش روزافزون قدرت خرید کارگران و مزدبگیران و رانده شدن آنان به زیر خط فقر بوده است. بطوریکه از قدرت خرید کارگران و حقوق بگیران نسبت به سال 56 - سال قبل از انقلاب - کاسته شده است.

در حقیقت دستمزدها فشاری بر سود نیستند. آنچه سود سرمایه گذاران را با تهدید مواجه ساخته، اصل رقابت و ناپهروری دورنی خود سرمایه داران دولتی و خصوصی است. امری که موجب گشته تا آنها به سودهای فوق عادی و خیره کننده دست نیابند.

از آنجائیکه سرمایه داری ایران به سودهای بادآورده عادت کرده و نرخ های متعارف جهانی آنان را قانع نمی سازد، و از طرفی دیگر کارگاههای بسیاری هم از متوسط تکنولوژی و سرمایه برای نیروی کار استفاده نمی کنند، لذا توان رقابت با کالاهای وارداتی را نداشته نتیجتاً سرمایه های خود را به دلالی و غیره منتقل می کنند. بدین ترتیب برنرخ بیکاری افزوده می شود و کارگران مجبور می شوند حتی با کمتر از دستمزد رسمی به کار بپردازند. بدین ترتیب کارفرمایان و دولتمدان حامی آنان به هیچ وجه به راحتی تن به افزایش دستمزد کارگران و مزدبگیران نخواهند داد. زیرا آنها به دنبال سودهای بادآورده هستند و ارزشی برای نیروی کار قائل نیستند و به رغم اعتراضات فراوان هر ساله تنها مقدار بسیار کمی به حداقل دستمزدها اضافه می کنند، که به هیچ وجه کفاف زندگی حداقلی خانواده های کارگری را نمی دهد، و هر ساله کارگران و زحمتکشان بیشتر از خط فقر فاصله می گیرند.

تورم اصلی ارتباطی با اضافه دستمزد کارگران ندارد، ریشه های آن را بایستی در جای دیگری جستجو کرد. در چاپ کردن بی منطق اسکناس، که بیشتر به کار کوچ سرمایه ها، کسب سود و آسایش بیشتر برای سرمایه داران و در حیف و میل و غارت و چپاول اموال مردم توسط عدهای خاص می آید، جستجو کرد. همچنین در سوء مدیریت و استثمار وحشیانه سرمایه داران از نیروی کار و عدم کارایی سیستم تولیدی و همچنین رواج دلالی و واسطه گری و ...

## راهکارهایی برای واقعی کردن دستمزدها

راه حل اساسی را می توان در گزار از مناسبات موجود به دموکراسی مشارکتی و کاربرد اراده ی کار برای هدایت سرمایه های اجتماعی، و گذر به جامعه ی سوسیالیستی یافت. تا آن زمان باید بر خواست های صنفی، دموکراتیک کارگری و بخش های از نیروی کار در پیوند با یکدیگر پافشاری کرد.

در تعیین حداقل دستمزد باید نماینده ی واقعی کارگران از طریق انتخاب مستقیم، و نه از طریق شوراهای اسلامی کار و خانه ی کارگر و انجمن اسلامی وابسته به قدرت حاکم، شرکت داشته باشند.

حداقل دستمزد را می توان بر حسب سن، سهم خانوار، سختی کار، منطقه ی جغرافیایی تعیین نمود. در هر حال در شرایط کنونی این مبلغ نمی تواند بطور متوسط کمتر از 750 هزار تومان تعیین شود. بخش خصوصی و دولتی سرمایه داری که سودهای کلانی را از آن خود می کنند و به اتفاق در دو سه سال اخیر سالانه 12 تا 15 میلیارد دلار از ایران فرار داده اند، باید ملزم به افزایش حداقل دستمزد و اصلاح جدول دستمزدها باشند. از طرفی دیگر دولت هم بجای استفاده ابزاری از صرفه جویی در یارانه ها برای منافع سیاسی و تطمیع هواداران خود، بخشی از مبالغ مزبور را به نفع اصلاح دستمزدها صرف کند.

کارگران در ایران باید نبرد سختی را از سر بگذرانند تا بتوانند به بخشی از حقوق خود دست یابند. بطور قطع کارگران ایران به خواست های خود دست نمی یابند مگر خواست هایی را که در بالا از آن یاد کردیم و از یکدیگر جدایی ناپذیرند را تحقق بخشند.

تجارب تاریخی نشان داده است که نظام سرمایه داری به راحتی و داوطلبانه تن به خواسته های برحق کارگران نخواهد داد.

و کارگران نیک می دانند که کارفرمایان و نمایندگان آنان به راحتی تن به افزایش دستمزد و پرداخت حقوق اولیه ی آنان نمی دهند و آنها باید حقوق انسانی خود را در مبارزه های سخت و بی امان از کارفرمایان بستانند.



## نظریه پایان ایدئولوژی

(بخش دوم)

توضیح: بخش نخست این مقاله در شماره 12 نشریه کار داخل کشور درج شده بود، که متأسفانه به دلیل عدم دریافت بخش دوم آن تا انتشار شماره 13 موفق به چاپ آن در شماره گذشته نشدیم. با عرض پوزش از خوانندگان نشریه، بخش دوم آن ارائه می گردد.

در بخش نخست این مقاله، از طریق واکاوی تاریخچه کنگره آزادی فرهنگی و چهره های اصلی گرداننده آن، و همچنین ماهیت نظراتی که از سوی آنان ترویج یا در کتاب ها و نشریات گوناگون این کنگره منتشر میشد، نشان دادیم که بحث هائی مانند پایان ایدئولوژی، نظریه همگرایی و ... که بوسیله این تشکیلات ترویج و تبلیغ میشد، نظریه های علمی نیست که در عرصه های جامعه شناسی یا فلسفه سیاسی تکوین و تکامل یافته باشد، بلکه محصول برنامه ریزی و فعالیت سازمان یافته محافل و نیروهای سیاسی خاصی است که اتفاقاً خود آنها با یک ماهیت کاملاً ایدئولوژیک و در جهت ترویج تفکر لیبرالی با جهت گیری از پیش تعیین شده ضد مارکسیستی عمل میکردند. اما این نتیجه گیری ها از طریق مرور بر نحوه تشکیل کنگره، شکل فعالیت آن و بحث و تحلیل مضمون نظرات و تبلیغات آن، بعمل آمد. در سالهای بعد، یعنی در جریان رسوائی سال 67 و پس از آن اسناد و مدارکی برملا شد که نقش سبب و نهادهای وابسته به آن را در تأسیس و راهبری این کنگره و ترویج آراء و تبلیغات ضد کمونیستی در پوشش فعالیت های نظری روشنفکرانه افشاء می کرد. اینها دیگر نتیجه بحث و استدلال نظری نبود، بلکه اطلاعات و اسناد و مدارکی بود که پس از سالها افشاء میشد و نشان میداد دستگاهی که در سالهای پس از جنگ مأموریت تدوین و تبلیغ شبه تئوری هائی مانند پایان ایدئولوژی، ایدئولوژی زدایی و ... را بخصوص در اروپا به عهده داشته، کنگره آزادی فرهنگی بوده است. و این کنگره با پول سبب و بوسیله روشنفکران راست اروپای پس از جنگ، دیپلماسی فرهنگی آمریکا را در دوران جنگ سرد اجرا و آنرا پیش می برده است.

ماجرا با گزارش هائی آغاز شد که در سال 1967 در نشریه رامپارت و مجله ساتردی ایوبینینگ پست منتشر شد، مبنی بر این که هزینه شماری از سازمانهای فرهنگی ضد کمونیستی را سبب تأمین میکند و هدفش از این کار، جلب پشتیبانی لیبرال های هوادار شوروی در کشورهای مختلف جهان است. بنابه نوشته دائرة المعارف اینترنتی ویکی پدیا، آنچه به این گزارش ها اعتبار و رسمیت می بخشد اظهارات یک مدیر سابق عملیات مخفی سیا بود که به برنامه تأمین هزینه این کنگره از طرف سیا و عملیات سیا در این کنگره وارد شده بود. اکنون وب سایت رسمی سیا اعلام میکند که بطور گسترده ای کنگره آزادی فرهنگی را یکی از جسورانه ترین و مؤثرترین عملیات مخفی سیا در دوران جنگ سرد میدانند.

ویکی پدیا می نویسد در سال 1967 افشاء شد که سبب آژانس مرکزی اطلاعات آمریکا، بانی تأسیس کنگره آزادی فرهنگی بوده است و نام این گروه بعداً به اتحادیه آزادی فرهنگی تغییر یافت و اضافه میکند کنگره فرهنگی یا اتحادیه بین المللی آزادی فرهنگی، در اوج فعالیت خود، در چیزی حدود 35 کشور جهان فعال بود و وجوه قابل توجهی هم از بنیاد فورد دریافت میکرد. همین دائرة المعارف اینترنتی در ادامه و زیر عنوان درگیر بودن سبب در این تشکیلات مینویسد:

در ماه مه 1967 توماس برابردن رئیس تشکیلاتی که پدر کنگره آزادی فرهنگی بشمار می رود یعنی بخش سازمانهای بین المللی سیا، با انتشار مقاله ای در ساتردی ایوبینینگ پست زیر عنوان من خوشحالم که سیا غیر اخلاقی است نسبت به گزارش نشریه رامپارت واکنش نشان داد. او در این مقاله از فعالیت های بخش سازمانهای بین المللی سیا دفاع کرد. برابردن اقرار کرد که سیا برای مدتی بیش از ده سال (از طریق کنگره آزادی فرهنگی که هزینه آنرا هم تأمین میکرد) به مجله Encounte کمک مالی میکرد. او بعلاوه اضافه میکرد که یکی از گردانندگان ستادی کنگره آزادی فرهنگی یک مأمور سیا بود. و اضافه میکند که این کنگره توانست منابع مالی کافی بدست آورد که به آن امکان را بدهد که در 35 کشور جهان دفاتری را تأسیس و آنها را اداره کند، تعداد بسیاری کارمند ستادی استخدام کند، در سطح بین المللی در رویدادها بعنوان اسپانسر دخالت و عمل کند و نشریات متعددی را منتشر سازد. کنگره آزادی فرهنگی در اوائل دهه 60 کمپینی را علیه پابلو نرودا شاعر چپ گرای شیلیایی برانداخت و مخصوصاً زمانی که در سال 1964 معلوم شد نرودا نامزد دریافت جایزه نوبل ادبی است، این کمپین را تشدید کرد.

تحقیقات بسیاری در این زمینه انجام و مقالات متعددی در این باره منتشر شده است که ما از آن میان بعنوان نمونه ترجمه یکی از این مقالات را که بوسیله دنیس بونو و زیر عنوان وقتی سیا خرج روشنفکران اروپائی را میداد نوشته شده است در اینجا نقل، و در بخش بعدی آراء

نظری برخی از نویسندگان بورژوائی بویژه وبر و مانهایم را در زمینه ایدئولوژی واری و سرانجام نیز ماهیت و جایگاه ایدئولوژی را از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم مورد مطالعه قرار خواهیم داد. آنچه ذیلاً می خوانید ترجمه فارسی مقاله دنیس بونو است که در بالا به آن اشاره شد.

### وقتی سیا خرج روشنفکران اروپائی را میداد

در پایان جنگ جهانی دوم، ایالات متحده برای مقابله با نفوذ شوروی، شبکه ای از نخبگان هوادار آمریکا را در اروپا بوجود آورد. به این منظور، ایالات متحده هزینه تشکیل کنگره آزادی فرهنگی را تأمین کرد که بسیاری از روشنفکران اروپائی در آن مشارکت داشتند و از جمله شاخص ترین آنها میتوان از ریمون آرون و میشل کروزیه نام برد. این شبکه ها که مسئولیت طراحی یک ایدئولوژی ضد کمونیستی را داشتند که مورد استقبال راست محافظه کار و نیز سوسیالیست ها و رفرمیست های چپ اروپا در دوران جنگ سرد قرار داشت، مجدداً بوسیله دولت بوش فعال شدند. امروز آنها نقش بلندگوی اروپائی محافظه کاران آمریکا را بازی میکنند. اروپای سال 1945 که جنگ جهانی دوم آنرا ویران کرده بود، برای ایالات متحده و اتحاد شوروی که هر دو میخواستند این قاره را کنترل کنند بصورت هدفی برای گسترش نفوذ آنها در آن قاره درآمد. در این راستا، از سال 1947 به بعد، دولت های پی درپی آمریکا یک سیاست مداخله گرانه را در این قاره اجرا و دنبال کردند که از سوی سرویس های مخفی اطلاعاتی و بویژه سازمان سیا پشتیبانی میشد و هدف آن جلوگیری از رشد و گسترش احزاب کمونیست در اروپا بود.

منظور این بود که هم یک گروه از نخبگان هوادار آمریکا از طریق طرح مارشال بوجود آورند و بپروراند که مورد حمایت کمیساریای این طرح که در فرانسه مستقر بود، مخارج روشنفکران ضد کمونیست را تأمین کنند. این پروژه دیپلماسی فرهنگی با تأسیس کنگره آزادی فرهنگی شکل گرفت که شخصیت هائی را گرد هم جمع کرده بود که عادتاً در فعالیت های مختلف مداخله گرانه آمریکائی ها در اروپا مشغول بکار بودند. (کمیسوین های نوسازی اروپا، طرح اروپای فدرال و ...) کنگره آزادی فرهنگی که هزینه آن به مدت 17 سال، یعنی تا رسوائی سال 1967، مخفیانه از طرف سازمان سیا تأمین میشد. واحد جلودار دیپلماسی فرهنگی پس از جنگ آمریکا بود. روشنفکران، نویسندگان، روزنامه نگاران و هنرمندان در این کنگره گرد هم جمع شده بودند تا یک برنامه دیپلماتیک را طراحی کنند که هدف آن شکست مارکسیسم در زمینه ایدئولوژیک بود. مطبوعات، سمینارهای رسانه ای، برنامه های تحقیقاتی، بورس های دانشگاهی و ایجاد و توسعه شبکه های روابط غیر رسمی، به این سازمان امکان میداد که بر محافل دانشگاهی، سیاسی، هنری و غیره تأثیری واقعی و جدی اعمال کند.

این کنگره برای مدت 25 سال روشنفکران را استخدام و به خدمت میگرد تا شبکه های مداخله بلند مدت را در اروپا، بویژه در فرانسه، یعنی کشوری که در این زمینه در رأس اولویت های واشنگتن قرار داشت، تأسیس کند. اینگونه شبکه ها پس از انحلال سازمان یاد شده هم باقی ماندند و بوسیله دولت بوش دوباره فعال شدند.

امروز این شبکه ها بلندگوی اروپائی دیپلماسی فرهنگی هستند که بوسیله نومحافظه کاران و تولیبرال های آمریکائی طراحی شده است که خود آنان هم از پرورش یافتگان همین کنگره آزادی فرهنگی هستند.

### منشاء و خاستگاه کنگره آزادی فرهنگی

کنگره آزادی فرهنگی در سال 1950 در برلین، بطور مشخص در منطقه تحت اشغال آمریکائی ها بنیانگذاری شد. دبیرکل این مجمع مؤسس، ملوین لاسکی، یک روزنامه نگار اهل نیویورک بود که از زمان پایان جنگ در برلین زندگی میکرد. او که یکی از فعالین چپ ضد استالینی بود، سردبیر نشریه ماه (Der Mont) شد. درمونت مجله ای بود که در سال 1947 با حمایت اداره حکومت نظامی ایالات متحده و بویژه ژنرال لوسیوس کلی، پروکتوس منطقه تحت اشغال آمریکا در آلمان به راه افتاده بود.

ملوین لاسکی که مورد حمایت یک کمیته غیر رسمی و مستقل قرار داشت، کوشید روشنفکران لیبرال و سوسیالیست را در یک سازمان واحد، یعنی یک آنترناسیونال ضد کمونیستی گرد هم جمع کند. کمیته پشتیبانی شامل شخصیت هائی از قبیل کارل یا سپرس فیلسوف آلمانی، لئون بلوم سوسیالیست فرانسوی، آندره ژید و فرانسوا موریاک نویسندگان فرانسوی، استادان دانشگاه از قماش ریموند آرون و روشنفکران آمریکائی از قبیل جیمز برنهام و سیدنی هوک، یعنی نظریه پردازانی که روشنفکران نیویورک را رهبری میکردند، میشد. اگرچه کنگره شخصیت هائی را از تمام جهان، منجمله جهان سوم در خود جمع کرده بود، اما عرصه فعالیت و عمل آن منحصر اروپائی بود.

کنگره آزادی و فرهنگی را روشنفکران آمریکائی کنترل میکردند که بیشتر آنها تروتسکیست های نیویورکی مانند سول لویتاس، مردی که از متولیان انتشار نیویورک بود، و البوت کوهن، بنیانگذار Commentary (1)، و نیز حامیان اروپای فدرال (آلتیرو اسپیلی، دنیس دو

روژمون و ... بودند.

در پشت صحنه علمی، مقامات رهبری کننده کنگره آزادی فرهنگی، ارتباطات و وابستگی های چندگانه ای با شبکه های مداخله گر امریکائی پس از جنگ، یعنی اداره طرح مارشال و کمیته امریکائی اروپای متحد (ا. سی. یو. ای) داشتند.

کمیته امریکائی اروپای متحد (ا. سی. یو. ای) که در پائیز سال 1948 با حمایت شخصیت های دولتی (روبرت پاترسون، دبیر جنگ، یل هوفمان، رئیس اداره طرح مارشال، و لوسیوس کلی) تأسیس شد و هزینه و امور مالی آن بوسیله سازمان سیا تأمین میشد، مسئولیت پیشبرد و حمایت از ساخته شدن یک اروپای فدرال منطبق بر منافع واشنگتن را بر عهده داشت. (2)  
در 1951 هنگامی که هنری فرنی از طرف کمیته امریکائی اروپای متحد رسماً با مسئولین کنگره آزادی فرهنگی ملاقات کرد، این روابط بطور علنی مورد اقرار و تأیید قرار گرفت.

### دوره سازمان دهندگان جیمز برنهام و مانیفست این دوره

کنگره آزادی فرهنگی بر مانیفستی مبتنی بود و این مانیفست هم کتاب جیمز برنهام بنام انقلاب مدیریتی بود که در سال 1941 منتشر شد. (3) این کتاب اساس و منشاء یک ایدئولوژی جدید را شرح میداد: لفاظی های زبانی در زمینه تکنوکراسی

جیمز برنهام ضمن مخالفت با فلسفه مارکسیستی تاریخ که مبتنی بر مبارزه طبقاتی است، بر شکست اقتصادی و ایدئولوژیک اتحاد شوروی تأکید و از فرا رسیدن عصر مدیران خبر میداد. به نظر او در شرق و غرب یک طبقه رهبری کننده جدید و یکسان، کنترل دولت و شرکت ها را در دست داشت. این طبقه، که مدیران لقب گرفته بود، راجع به تمایز بین کار و سرمایه نظر دیگری داشت.

بنابر این جیمز برنهام (با تأکید بر این که تضاد میان سرمایه و دستمزد دیگر منسوخ شده است) غیر مستقیم نظریه های مارکسیستی فلسفه تاریخ راه و (با امیدواری به این تصمیمات دیگر نه بوسیله پارلمان، بلکه بوسیله دفاتر این مدیران اتخاذ شود) چشم انداز پیروزی دموکراسی های پارلمانی را رد میکرد و میگفت عملاً نوع جدیدی از تکنسین ها و مدیران به تدریج جای سیاستمداران و مالکان سنتی را خواهند گرفت.

آنچه همراه با این نظریه باید بخاطر داشت، جنبش فن سالارانه سینارشیستیسالیهای دهه 30 میباشد. برنهام هوادار دیدگاه دیگر بجای دیدگاههای قبلی شد که ناظر به یک آینده نه چپ، نه راست بود از همان گونه که ریموند آرون بیان میکرد. و هدف دقیقاً این بود: استخدام و به خدمت گرفتن محافظه کاران و بالاتر از همه، روشنفکران چپ غیر کمونیست برای جهاد ضد کمونیستی. این قبیل ترزا بخشی از زندگی اجتماعی مؤلف کتاب بود.

جیمز برنهام که فرزند رئیس یک شرکت راه آهن بود، پس از تحصیل در آکسفورد و پرنستون با تأسی مجله سمپوزیوم به شهرت رسید. او پس از رها کردن فلسفه توماسی، ترجمه اولین کتاب تروتسکی یعنی تاریخ انقلاب روسیه را مطالعه کرد. برنهام سیدنی هوک را ملاقات کرد و با تأسیس حزب کارگران سوسیالیست در 1937 کار او هم بر فعالیت های سیاسی تروتسکی متمرکز گردید.

پس از آن که مدتی فعالیت سیاسی تروتسکیستی کرد (او در انترناسیونال چهارم شرکت داشت) مجدداً ای با تروتسکی نقطه آغاز استحالته سیاسی او بود. به این ترتیب در سال 1950 در تأسیس کنگره آزادی فرهنگی در برلین مشارکت کرد و تا پایان سالهای دهه 60 در کنگره مزبور سمت های مهمی داشت. اما علیرغم فعالیت او در شبکه های این کنگره، چون گذشته انقلابی اش او را مارک دار کرده بود، در دوره مک کارتیسم سمت دانشگاهی خود را از دست داد.

در نیمه راه این چرخش سیاسی - از تروتسکیسم به مبارزه ضد کمونیستی - بود که جیمز برنهام کتاب انقلاب مدیریتی را نوشت که افزار سودمندی برای استحالته بود (استحالته مؤلف آن و نیز استحالته سایر اعضای کنگره که غالب آنها، بویژه روشنفکران نیویورکی از محافل تروتسکیستی می آمدند. (4))

### واردات و صادرات لفاظی های توخالی در باره راه سوم

لفاظی های توخالی راجع به راه سوم (پایان ایدئولوژی ها، رقابت فنی رهبران) در سراسر اروپای غربی گروه های سیاسی ای را که در فعالیت های کنگره مشارکت داشتند، گرد هم آورد، کنگره ای که یک اطلاق فکر واقعی (یک مرکز تحقیقات غالباً سیاسی مختص تبلیغات و اشاعه افکار) و متصدی طراحی یک ایدئولوژی ضد کمونیستی بود که مورد استقبال راست محافظه کار و همچنین چپ سوسیالیست و رفورمیست اروپا قرار داشت. در فرانسه سه جریان سیاسی با این کنگره همکاری کردند: رزمندگان آر. دی. آر. سابق (روسی و آلمن)، روشنفکران گولیست (هواداران دوگل ژنرال معروف فرانسوی) وابسته به نشریه فرانسوی آزادی ذهن، باضافه مارلو نویسنده فرانسوی، و فدرالیست های اروپائی.

دکترین رسمی کنگره عمدتاً بوسیله روشنفکران نیویورکی طراحی میشد. انتشارات آن در کشورهای اروپائی بوسیله رابط های بین دو ساحل اقیانوس اطلس یعنی بوسیله پاسادورها ئی

پخش میشد که انتقال آن اطلاعات را بعهدہ داشتند، از قماش ریموند آرون که از همان آغاز، مشغول ترجمه کتاب دوره سازمان دهندگان بود، و ژرژ فریدمن که تز دانیل بل مؤلف کتاب پایان ایدئولوژی را گرفت و به تبلیغ آن مشغول شد که در سال 1960 منتشر شده بود و ... در فرانسه این رابط ها (پاسادورها) عمدتاً روشنفکرانی بودند که از محافل دانشگاهی طرد شده بودند. مرکز تحقیقات جامعه شناسی (سی. اس. اس.) خزانه تأمین نیروی ذخیره برای خدمت در کنگره بود که از طرف کمیسیاریای طرح (5) پشتیبانی میشد.

در عمل، برنامه ریزان، بیشتر اعتبارات تحقیقاتی را که در اختیار داشتند به اقتصاددانان و جامعه شناسانی داده اند که خود داوطلب بودند برای مشروعیت بخشیدن به تصمیمات آن برنامه ریزان، خود را در اختیار آنان بگذارند. به این ترتیب ادگار مورین، ژرژ فریدمن، اریک دو دامپیر، پژوهشگران عضو سی. ای. اس. در مراسم سالگرد تأسیس کنگره در سال 1960 حضور داشتند. روشنفکران فرانسوی وابسته به این کنگره، افکار خود را در نشریه پرو (Preuve) منتشر میکردند که کپی فرانسوی نشریه Der Mont بود. استخدام و عضوگیری بوسیله نماینده کنگره در پاریس انجام میشد. این پست را دانیل بل، روشنفکر نیویورکی در اختیار داشت که اعتبارات و بورس های تحقیقاتی (در ایالات متحده) را در ازاء همکاری روشنفکران جوان اروپائی یا مبارزه ضد کمونیستی، به آنها واگذار میکرد.

این استراتژی کارآمد جذب و بخدمت گرفتن نیروها (بنابه اصطلاحی که دومنک مدیر نشریه اسپرت بکار برد) در مارکس زدائی از برخی محافل روشنفکری که به نوعی با حزب کمونیست ارتباط داشتند، به اوج خود رسید.

### ریموند آرون: روشنفکری از نسل اول

ریموند آرون که تا زمان رسوائی سال 1967 درگیر فعالیت های کنگره در فرانسه بود، وارد کننده ترهای روشنفکران نیویورکی بود. او بود که در سال 1947 ترتیب ترجمه کتاب دوست خود جیمز برنهام را به فرانسه داد (مقدمه چاپ اول کتاب دوره سازمان دهندگان را لئون بلوم سوسیالیست نوشت) و در مورد نحوه پخش و تبلیغ نظریه های راه سوم تصمیم گیری کرد. پس از انتشار انسان در برابر جباران در سال 1964 و فرقه گرائی بزرگ در سال 1948 - که مانیفست های واقعی محافظه کاران فرانسوی به شمار می رفتند - از زمان تأسیس شبکه های کنگره در برلین در سال 1950 به این شبکه ها ملحق شد.

او که مانند میشل کولینی و مانس اسپربر، در نهادهای تصمیم گیرنده کنگره سرگرم فعالیت بود، یکی از نظریه پردازان اصلی بین الملل ضد کمونیستی نیز شناخته میشد. در کنفرانس بین المللی میلان در سال 1955، آرون یکی از پنج سخنران اجلاس افتتاحیه آن کنفرانس بود (همراه با هوگ گایتسل، میسائل پولانی، سیدنی هوک و فردریک فون هایبک) (6)

همچنین در همان سال افیون روشنفکران را منتشر کرد که متنی بود که از نظرات جیمز برنهام الهام گرفته بود و بیطرفی روشنفکران چپ گرا و غیر کمونیست در آن محکوم شده بود. در سال 1957 آرون برای کتاب ملوین لاسکی و فرانسوا بوندی بنام انقلاب مجارستان مقدمه نوشت. این کتاب تاریخ خیزش مجارستان بقلم دو تا از شخصیت های مهم کنگره بود.

ریموند آرون که در سال 1905 در خانواده ای متعلق به طبقه متوسط یهودیان فرانسه (7) متولد شده بود، و در سال 1924 معلم مدرسه ابتدائی و سپس در سال 1928 دبیر دبیرستان شد، مطالعه فلسفه را درست پیش از جنگ جهانی دوم آغاز کرد. در سال 1948، علیرغم موفقیت نظرات اگریستانسیالیستی پدیدار شناختی، نتوانست برای جانشینی آلبرت بای در سوربن انتخاب شود و مجبور شد پست هائی را در مدارس دولتی (ا. ان. آ و ای. ا. پ پاریس) قبول کند که جایگاه و اسم و رسم چندانی نداشت. اما در همان زمان در مطبوعات پست های مهمی داشت. (او از سال 1947 تا سال 1977 عضو هیئت تحریریه روزنامه پاریسی فیگارو بود و علاوه بر آن تا زمان مرگ خود در سال 1983 هم در نشریه اکسپرس کار میکرد) و در محافل سیاسی هم فعال بود. (در سال 1945 او در حکومت ژنرال دوگل عضویت داشت).

استحالته و تغییر موضع آرون به راست (پیش از جنگ، او یک روشنفکر سوسیالیست بود) در روزگاری که سارتر بر محافل روشنفکری سلطه داشت. با اشتغال او در شبکه های کنگره آزادی فرهنگی و مشارکت فعال او در کمیسیون مدرن سازی انجمن بهره وری تولیدی فرانسه که در 1950 تأسیس و به کمیسیاریای طرح مارشال ملحق شد، تشدید گردید.

### زندگی سیاسی میشل کروزیه: سیر ساخته شدن یک روشنفکر هوادار امریکائی

میشل کروزیه، یک عضو دیگر این گروه را میتوان محصولی دانست که با کار شبکه های این کنگره تولید شده بود. او. در پایان سالهای دهه 50 به شبکه های کنگره آزادی فرهنگی ملحق شد. زندگی سیاسی او نمونه ای است که نشان میدهد چگونه روشنفکران جوان مورد استفاده دیپلماسی فرهنگی امریکا قرار می گرفتند.

در آغاز دهه 50 میشل کروزیه روشنفکر جوانی بود که بخاطر موفقیت مقاله ای که در عصر جدید منتشر کرده بود، شناخته شده بود. عصر جدید مجله ای بود که سارتر آنرا اداره میکرد. در

این مقاله که عنوان آن «مهندسی انسانی» بود، نویسنده به شکل زهرداری به **نیویدیل** حمله کرده بود و خریدن و به خدمت گرفتن دانشمندان را محکوم و روش های مریدپروری و دست نشانده سازی آنها را افشاء کرده بود. مقاله عمدتاً ضد آمریکائی و از مقولهٔ «چپ افراطی» بود. میشل کروزیه، در گروه «سوسیالیسم یا بربریت» هم فعالیت داشت، یعنی گروهی که بوسیلهٔ کرولیسوس کاستوریادیس اداره میشد، و **تریبون خلق** را بنیانگذاری کرد که یک مجلهٔ جهان سومی بود. این اقدام مورد پشتیبانی دانیل گرین قرار گرفت که یک تروتسکیست فرانسوی بود.

در سال 1953، میشل کروزیه با شبکه های تروتسکیسم فرانسه قطع رابطه کرد و به گروه اسپریت Esprit ملحق شد که با گروه یاد شده، مقاله ای را در نقد روشنفکری چپ منتشر کرد. این قطع رابطه با ملاقات او با دانیل بل در سال 1956 که نمایندگی کنگره را در پاریس بعهده داشت، تقویت شد. او به کروزیه یک بورس تحصیلی در استانفورد اعطاء کرد. (8) در سال 1957 کروزیه در کنگرهٔ وین شرکت کرد. مداخله او در فعالیت های اتحادیه ای فرانسه با مقالاتی که در نشریه Preuves منتشر شد، صورت میگرفت.

بعنوان بخشی از شبکه های رابط، میشل کروزیه، عضو کمیسیون های مدرن سازی بود و همراه با ریموند آرون یکی از نظریه پردازان اصلی راه سوم از آب در آمد. بخشی از مانیفست باشگاه ژان مولن را او نوشت (9). باشگاه ژان مولن انجمنی بود از شخصیت های کاملاً نزدیک به طراحان راه سوم (ژرژ سوفر، ژان ریپر، کلود گروسون). در این متن با وفاداری، دستورالعمل ها و خطوط راهنمای تبلیغاتی راه سوم جمع بندی و خلاصه شده بود: پایان ایدئولوژی ها، عقابنیت سیاسی، مشارکت کارگران در مدیریت مؤسسه اقتصادی، کاهش ارزش فعالیت پارلمانی و ارتقاء تکنوکرات ها و ...

در سال 1967، در نتیجهٔ پشتیبانی استانی هوفمان (همکار اسپریت و بنیانگذار مرکز مطالعات اروپائی) میشل کروزیه در هاروارد استخدام شد. او با هنری کیسینجر و ریچارد نوستاد مشاور خارجی ترومن و مؤلف کتاب «قدرت ریاست جمهوری» در تماس قرار گرفت. میشل کروزیه، از طریق باشگاهی که بوسیلهٔ نوستاد تشکیل شده بود، بطور منظم با جو بائیر دیدار میکرد که از مریدان و دست نشاندهان مک جورج بوندی رئیس بنیاد کندی و جانسون و رئیس ستاد بنیاد فورد بود.

پس از رسوائی سال 1967 میشل کروزیه که یک روشنفکر هوادار آمریکا و ساخت کنگرهٔ آزادی فرهنگی بود، یکی از مطلوب ترین شخصیت های مورد نظر برای بازسازی آن سازمان ضدکمونیستی بود.

### از کنگره آزادی فرهنگی تا اتحادیهٔ بین المللی آزادی فرهنگی

رسوائی مربوط به منابع مالی که مخفیانه در اختیار کنگرهٔ آزادی فرهنگی قرار میگرفت در سال 1967 برملا شد. این موضوع در زمان جنگ ویتنام با یک کمپین مطبوعاتی علنی شد. اما از سال 1964 بعد روزنامهٔ نیویورک تایمز تحقیقاتی را پیرامون بنیاد فیرفیلد منتشر کرد که از مهم ترین منابع تأمین وجوه رسمی پرداختی به کنگره و ارتباطات مالی آن با سی. آی. ا. برده برمیداشت. در آن زمان، سازمان مرکزی اطلاعات آمریکا، بوسیلهٔ جیمز انگلیون (10) سعی کرد مواردی از این تحقیقات را که به کنگره مربوط میشد، سانسور کند.

رهبران کنگرهٔ آزادی فرهنگی با کمک بنیاد فورد که از سال 1966 تصدی همهٔ وجوه و منابع مالی را بعهده داشت، تصفیه ای را در این سازمان انجام دادند. به مناسبت این تجدید سازمان، مک جورج بوندی، ریموند آرون را برای سرپرستی بازسازی و تجدید سازمان کنگره پیشنهاد کرد. اما آرون به دلیل رسوائی که در سال 1967 در اروپا بار آمد، این پیشنهاد را رد کرد. در آن سال، و علیرغم یک کمپین سرتاپا دروغ و افترا که سرویس های مخفی و اطلاعاتی علیه مقاله ای که در نشریه رامپارت منتشر شده بود براه انداختند، انتشار این مقاله موجی از رسوائی ها و افتضاحات بی سابقه را برانگیخت که در تاریخ کنگرهٔ آزادی فرهنگی سابقه نداشت.

توماس پرایدن (که در سال 1950 به استخدام سیا در آمده و رئیس بخش مربوط به سازمانهای (آی. او. دی) بوده است)، منابع مالی مخفی را که در اختیار کنگره قرار میگرفته است در مقاله ای با یک عنوان بسیار تحریک کننده مورد تأیید قرار داد. عنوان مقاله این بود: «من خوشحالم که سی. آی. ا. غیر اخلاقی است».

پس از حوادث ماه مه 1968، ژان ژاک سروان شرایبر، یکی از چهره های اصلی باشگاه ژان مولن و نویسنده مقاله ای که در آنسوی اقیانوس خوب شناخته شده است (مبارز طلبی آمریکائی، که در 1967 منتشر شد و یکی از کتابهای پر فروش سال بود) در حالی که گروهی از ملتزمین رکاب او را همراهی میکردند، که موجب تعجب خیلی ها شد [...] مانند یک رئیس دولت، به پرنستون رفت (12).

میشل کروزیه هم شخصی بود که مسئول نوشتن جمع بندی ها و نتیجه-گیری های سمینار پرنستون بود. (این سمینار اولین جلسهٔ اتحادیهٔ بین المللی آزادی فرهنگی بود). از سال 1973، مک جورج بوندی به تدریج فعالیت های بنیاد فورد را در اروپا کاهش داد. اتحادیهٔ بین المللی آزادی فرهنگی تأثیر و نفوذ خود را از دست داد و در سال 1975 یعنی تاریخ

امضای قرارداد هلسنیکی (علیرغم ایجاد سازمان های موازی) از میان رفت. کنگرهٔ آزادی فرهنگی، علاوه بر طرح مارشال، کمیته آمریکائی اروپای متحد و شاخهٔ نظامی عملیات معروف به پشت صحنه بمان، به ایجاد و تأسیس عناصری که به پولها و اعتبارات آمریکائی ها متکی بودند و مسئولیت اجرای دیپلماسی تجاوزگر واشنگتن را بعهده داشتند، به طرز باثبات، و در متن جنگ سرد، کمک کرد.

این همکاری هنوز هم در فرانسه از طریق کمکی که از طرف بنیادهای آمریکائی به روشنفکران راه سوم در این کشور میشود، فعال است.

دنيس بونو - روزنامه نگار فرانسوی و عضو بخش فرانسوی شبکهٔ ولتر  
\*\*\*

در بخش بعدی این گفتار دیدگاههای بورژوازی راجع به ایدئولوژی، بویژه نقطه نظرهای ماکس وبر و کارل مانهایم و پس از آن نگرش مارکسیسم - لنینسیم را در این باره بررسی خواهیم کرد.

### مآخذ:

1- commentaey نشریه شبه رسمی کنگرهٔ آزادی فرهنگی است. این نشریه را از 1947 تا 1952 ایروینگ کریستول و از 1960 تا 1995 نورمن پاد هورتس اداره میکرد. این دو، امروز از چهره های اصلی و کلیدی جنبش نئوکسرواتیو آمریکا هستند. پسر ایروینگ کریستول بنام ویلیام کریستول مدیر نشریهٔ ویکی استاندارد، نشریهٔ «توکان ها» است.

2- Remi kauffer «The CIA finances the European Construction History, February 27, 2007»

3- James Burnham, The managerial revolution or what is happening in the world now, New York, 1941. L,ere des organisateurs, Calmann - Levy publications, 1947  
جیمز برنهام، انقلاب مدیریتی یا آنچه امروز در جهان در حال وقوع است، نیویورک 1941 (نسخه فرانسه: دورهٔ سازمان دهندگان، انتشارات کالمن - لوی 1947)

4- Joseph Romano «Lim post la Revolution manageriale extort de la Revolucion Francaise de Science Politique 2003 après 1945»

5- کمیسیاریای طرح مارشال، که در سال 1946، بمنظور نظارت بر نحوهٔ توزیع اعتبارات طرح مارشال (شاخهٔ اقتصادی دیپلماسی پس از جنگ آمریکا) تأسیس شد، امکان همکاری بین مقامات رسمی فرانسه و دیپلمات های آمریکائی را با دستیاری ژان مونه فراهم ساخت. جانشین او، ایتن هرش، هیئت های «هماهنگ کنندهٔ» را تأسیس کرد که استادان دانشگاه، فعالان سندیکائی، و مقامات بلندپایه را گرد هم جمع میکرد ... به این ترتیب طراحان و شخصیت هائی که با منافع واشنگتن در ارتباط بودند به یکدیگر ملحق شدند و فعالیت خود را بویژه از طریق باشگاههای سیاسی مانند باشگاه ژان مولن (ژرژ سوفر، ژان ژاک سروان شرایبر)، باشگاه شهروندان 60 (ژاک دلور) و محفل توکویل (کلود برناردن) بر ایجاد و گسترش آلگویی آمریکائی متمرکز ساختند.

6- در سال 1947 هایک فعالانه در تأسیس و ایجاد انجمن مون پلرن مشارکت داشت. این سازمان، که ستاد اطاق های فکر نویلیرال ها بود و از سوی انستیتوی امور اقتصادی (1955) پشتیبانی میشد، معماران اصلی پیروزی مارگارت تاچر در سال 1979 را گرد هم جمع کرده بود. در این زمینه رجوع کنید به کتاب کایت دیکسون «Les evangelistes du marche» نشر رزون داژیر، 1998 همچنین رجوع کنید به یادداشت شبکهٔ ولتر که به زبان فرانسه در باره انجمن مون پلرن نوشته شده است.

7- ریموند آرون، خاطرات، 50 سال تأملات سیاسی، ناشر ژولیار، 1983 (به فرانسه)

8- میشل کروزیه، عصرطلائی من، خاطرات، ناشر آرتم فایارد 2002 (فرانسه)

9- مانیفست باشگاه ژان مولن، دولت و شهروند، انتشارات سویی 1961 (فرانسه)

10- جیمز انگلتون، عضو سیا در عملیات پشت صحنه بمان در اروپا شرکت داشت. او رئیس X2 ضد جاسوسی و در آن زمان مسئول تماس با هنری ری بی اره بود. هنری ری بی اره رئیس (اس. دی. س. ا.) پلیس مخفی فرانسه بود. رجوع کنید به پشت صحنه بمان: چگونه باید دموکراسی ها را کنترل کرد. شبکه های آمریکائی بی ثبات سازی و دخالت (در کشورهای دیگر)  
11- فرانسیس استونورساندیزر چه کسی رقص را اداره میکند؟ سیا و جنگ سرد فرهنگی، انتشارات دنوتل 2003

12- پیر گرمیون «Intelligence de L,anticomm unisme» - کنگرهٔ آزادی فرهنگی در پاریس - 1950 تا 1975، ناشر، آرتم فایارد.

## قیام گرسنگان در قرقیزستان

شورش عمومی مردم قرقیزستان روز ششم ماه آوریل سال 2010 در مدتی کمتر از 24 ساعت، سراسر کشور را فراگرفت و دولت حاکم را ساقط کرد. دولتی که در سال 2005 و در پی انقلابی رنگی و بدون خونریزی بر سر کار آمد، نتوانست بیشتر از 24 ساعت دوام بیاورد. پس از فرار رئیس جمهور کورمان بک باکییف از پایتخت و استعفای نخست وزیر، بلافاصله دولت وفاق ملی، تحت رهبری خانم رزا اتونبای اوا قدرت را بدست گرفت. در جریان این حوادث و در اثر تیراندازی نیروهای وفادار به دولت ساقط شده بسوی معترضان، نزدیک به یکصد نفر کشته و بیش از 1500 نفر زخمی شدند.

در جریان سه روز ناآرامیهای شدید قرقیزستان، بیشکک، پایتخت و دیگر شهرهای این جمهوری بشدت آسیب دید و مردم بجان آمده، سمبل ها و مظاهر قدرت دولتی و دموکراسی بورژوازی، بانکها، کارینوها، فروشگاه های بزرگ، پارلمان فرمایشی، دادستانی، کاخ ریاست جمهوری، وزارتخانه های نظامی و امنیتی و غیره را مورد حمله و تاراج قرار دادند.

مهمترین مسئله شایسته توجه در حوادث قرقیزستان این که، قیام توده ای، نتیجه مستقیم و بلاواسطه امیدها و آرزوهای مردم فریب خورده می باشد. در جمهوری قرقیزستان که فقیرترین جمهوری از جمهوری های پانزده گانه اتحاد شوروی سابق بود، بدنبال شکست اتحاد شوروی در جنگ "سرد، مناسبات و روابط قبیله ای و حاکمیت ملوک الطوائفی مجدداً در این کشور برقرار گردید. طی یک و نیم دهه حکومت عسکر آقایف کلیه دستاوردهای ارزشمند هفتاد ساله این جمهوری از بین برده شد.

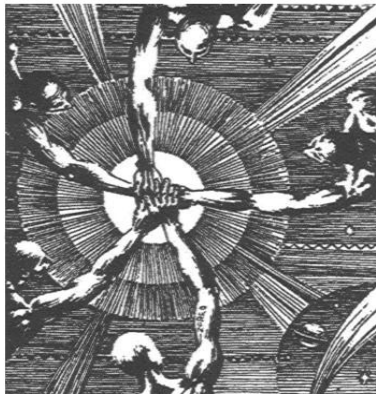
در دوره ی پنج ساله باکییف نیز اوضاع قرقیزستان هیچ وقت آرام نبوده و با اعتراضات عمومی مردم و دستگیری گسترده مخالفان همراه بوده است. وجود پایگاه نظامی آمریکا و کشورهای ناتو در این جمهوری که تهدیدی جدی برای منافع ملی قرقیزستان بشمار می رود، یکی از عوامل اصلی ناآرامیهای دائمی در کشور می باشد. مردم قرقیزستان که در دوره حکومت آقایف مژه حاکمیت سرمایه داری را چشیده بودند، در ماه مارس سال 2005، بامید ساختن زندگی بهتر به پا خاسته، طایفه عسکر آقایف را از سریر قدرت بزیر کشیدند. از درون قیام مردم قرقیزستان بر علیه حاکمیت قبیله ای آقایف، حاکمیت طایفه دیگر، رهبری و یا عبارت امروزی، تحت ریاست جمهوری کورمان بک باکییف بر آمد. باکییف نیز، پا در جای پای سلف خود گذاشته، افراد قبیله و نزدیکان خود را بر ارکان اقتصادی و سیاسی کشور مسلط ساخت. طی پنج سال حاکمیت جدید ابعاد فقر، بیکاری، گرسنگی عمومی نیز گسترده تر شد. و این دلیل اصلی و اساسی قیام خودبخودی مردم بود.

مسئله اساسی قابل توجه دیگر در قیام اخیر مردم قرقیزستان، خودبخودی، بی سازمانی، بی برنامه و آنی بودن آن است. مردم قرقیزستان گرچه با قیام خود، بر همه احزاب و تشکل های سیاسی مدعی رهبری، پیشی گرفته و نشان داد که، هیچ قدرتی تاب مقاومت در برابر نیروی خلق را ندارد، اما همین عقب ماندن تشکل های مترقی سیاسی از مردم به احتمال زیاد همچون سال 2005، عامل مهمی در انحراف مسیر مبارزه مردم قرقیزستان و سوءاستفاده جریانهای سیاسی ارتجاعی خواهد گشت.



## دو همایش برای اتحاد

طی اسفند ماه سال 88 دو کنفرانس و سمینار مشترک توسط احزاب و سازمان های چپ کشورمان در هلند و سوئد برگزار گردید. تقریباً اکثر جریانات چپ کشورمان در مجموع این دو همایش حضور داشتند، ضمن آنکه در همایش شهر دلفت هلند، چند جریان سیاسی غیر چپ نیز حضور داشتند. ما این گرایش به اتحاد در بین نیروهای سیاسی را که پس از چندین دهه حاضر شده اند در کنار هم نشسته و روی مسائل کشورمان به بحث و تبادل نظر بپردازند، را به فال نیک گرفته، امیدواریم در آینده ای نزدیک اتحاد گسترده نیروهای چپ و دمکرات را شاهد باشیم.



### \* همایش نخست: درباره ی تحولات جاری

روز 22 اسفند 1388 در شهر گوتنبرگ سوئد کنفرانسی تحت عنوان از قیام تا قیام به دعوت سازمان اتحاد فدائیان کمونیست و با شرکت نمایندگان پنج حزب و سازمان چپ و کمونیست ایرانی حزب کمونیست ایران، اتحاد فدائیان کمونیست، سازمان فدائیان اقلیت، راه کارگر (کمیته مرکزی) و هسته اقلیت به عنوان سخنرانان و شماری از فعالین سیاسی که به طور حضوری و یا از طریق پالتالک کنفرانس را دنبال می کردند، برگزار شد. در بخش آغازین کنفرانس نمایندگان رهبری احزاب دعوت شده به بیان نظر خود در مورد موضوعات مورد بحث پرداخته و سپس حاضرین در کنفرانس چه به شکل حضوری و چه از طریق پالتالک به طرح سئوالات خود و اظهار نظر پیرامون مواضع اعلام شده پرداختند و با سخنرانان به بحث نشستند.

### \* همایش دوم: چشم انداز جنبش سبز، و دیدگاه ما

بیست و سوم اسفند ماه سال گذشته سمیناری تحت عنوان "سمینار پیرامون چشم انداز جنبش سبز، و دیدگاه ما" به ابتکار کمیته هماهنگی احزاب و سازمانها و تشکل های ایرانی در هلند، با شرکت شش حزب سیاسی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، حزب دمکرات کردستان ایران، سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت، جبهه ملی ایران، حزب توده ایران و حزب کومله کردستان ایران کمیته ندا و چند دانشجوی فعال سیاسی در شهر دلفت هلند برگزار شد. در این سمینار علاوه بر بررسی دیدگاه گروه های شرکت کننده در مورد جنبش سبز، مباحثی جدی نیز در مورد ضرورت اتحاد احزاب و گروه های سیاسی و دیدگاه شرکت کنندگان در این مورد مطرح شد.

نمایندگان احزاب و گروه های مختلف با دیدگاههایی بعضاً کاملاً متفاوت این آمادگی را نشان دادند که نگران و علاقمند مبارزات مردم کشورمان بوده، و بر خلاف گذشته تکیه و تأکید خود را نه بر وجوه اختلاف، بلکه بر مواردی که می توانند پایه های یک اتحاد اصولی برای وحدت عمل در راه رسیدن به هدف مشترک و مبارزه با دشمن مشترک متمرکز کنند، قرار داده.

## حرکت سرخ پوشان تایلندی برای تغییر

از اواخر اسفند ماه 88 با سرازیر شدن سرخ پوشان تایلندی به خیابانها، دولت دست راستی و مورد حمایت ارتش، بازار و دربار برای استعفاء و برکناری نخست وزیر "آهیسیت وچاجیوا" و انحلال پارلمان تحت فشار قرار گرفته است. سرکوب گسترده ی سرخ پوشان در روز سه شنبه 6 آوریل که منجر به کشته شدن حداقل 18 تن و زخمی شدن ده ها تن دیگر گردید، در تاریخ این کشور بعد از ناآرامی های سال 1992 که منجر به سرنگونی حکومت نظامی شد، بی سابقه بوده است.

طرفداران "تاکسین شیناواترا" نخست وزیر اسبق تایلند که خود با تظاهرات خیابانی مخالفان زردپوش که از حمایت ارتش و پادشاه در سال 2006 برخوردار بودند، مجبور به استعفاء و سپس تبعید از کشور شد، به همراه اپوزیسیون چپ تایلند، در طی روزهای اخیر با تسخیر خیابان ها و میدان های اصلی بانکوک نشان داده اند که برای رسیدن به اهداف خود در نظر دارند مصممانه به اعتراضات خویش ادامه دهند. تصمیم مخالفان برای ادامه ی تظاهرات خیابانی پس از سرکوب خونین 6 آوریل و همچنین بروز نشانه های عدم همراهی ارتش با دولت، می تواند آخرین مقاومت های دولت دست راستی وچاجیوا را در طی روزها یا هفته های آینده در هم بشکند. بسیار بعید می نماید که بعد از کشتار خونین 6 آوریل و گسست در ساخت حاکم، مخالفین به مصالحه با نخست وزیر تن بدهند.

## گاه شمار زندگانی کارل مارکس

بمناسبت 191مین سالروز تولد دانشمند بزرگ کارگران و زحمتکشان



5 مه 1818 تولد مارکس در شهر ترییر آلمان. مارکس دومین فرزند از هشت فرزند خانواده بود. پدرش (هاینریش مارکس) مردی آزادی خواه و آزاداندیش بود. و به کار وکالت دادگستری اشتغال داشت. مادرش (هنریتیا) زنی عامی بود خانواده مارکس در سال 1816 دیانت یهودی خود را ترک گفته و به مذهب پروتستان گرویده بودند.

1830 الی 1835 تحصیل در دبیرستان فریدریش ویلهلم و آشکار شدن هوشمندی مارکس.

1835 ورود به دانشگاه بُن برای تحصیل در رشته حقوق

1836 اخراج مارکس ازدانشگاه بُن

1836 انتقال مارکس به دانشگاه برلین و تحصیل در رشته حقوق، فلسفه و تاریخ

1841 در این دانشگاه آشنایی مارکس با گروه هگلی های جوان، اخذ درجه دکترا در رشته فلسفه از دانشگاه پنا با نگارش پایان نامه ای تحت عنوان تفاوت فلسفه طبیعی در نزد دیمقراطیس و اپیکور. مارکس در این پایان نامه، از مادی گری اپیکور جانبداری کرد.

1843 ازدواج باعشق دوران کودکی خود (ینی فون وستفالن) در 13 ژوئن 1843، به این ترتیب مارکس شوهرخواهر فریدریش فون وستفالن (وزیر کشور پروس در کابینه محافظه کار مانتوفلشد، آن هم درست در بجهوه ی دوره حکومت ارتجاعی آلمان. 1850-1858 تعطیلی روزنامه راینیش زایتونگ به علت مقالات انتقادی مارکس از رژیم روسیه تزاری و مهاجرت به پاریس. مارکس در مدت اقامتش در پاریس، به مطالعه آثار سوسیالیست های تخیلی پرداخت و با شخصیت های معروفی نظیر هاینریش هاینه، پرودون و باکونین آشنا شد، سردبیری نشریه چارپوش، انتشار سالنامه های آلمان و فرانسه.

1844 آشنایی بافردریش انگلس درپاریس، این آشنایی به یک دوستی مادام العمر انجامید و نقش بزرگی را در تاریخ مارکسیسم ایفا کرد.

1845 اخراج مارکس از فرانسه به تقاضای دولت پروس به علت انتقادات رژیم روسیه تزاری، مارکس به بروکسل نقل مکان کرد.

1847 مارکس در بروکسل با انجمن آموزش کارگران آلمان آشنا شد. با جبهه درستکاران در فرانسه ارتباط برقرار کرد و به جبهه مزبور پیوست. تغییرنام این جبهه به جبهه کمونیستها، برگزاری کنگره دوم جبهه کمونیست در لندن با حضور مارکس و انگلس، تهیه برنامه این جبهه تحت عنوان بیانیه کمونیست در دسامبر 1847

فوریه 1848 انتشار بیانیه کمونیست در بجهوه انقلاب 1848 فرانسه، پیام مارکس به حکومت فرانسه (پس از سقوط لویی فلیپ)، برپایی قیام های مردمی و ملی در آلمان، اتریش، مجارستان و ایتالیا.

مارس 1848 اخراج مارکس از بروکسل به جرم توزیع اسلحه میان کارگران، سفر مارکس به آلمان (برای برپایی قیام در آلمان)، تسلط مارکس بر شاخه آلمانی جبهه کمونیست ها و سپس منحل کردن آن، دایرکردن روزنامه نوی رایش زایتونگ

ژوئن 1848 قیام کارگران پاریس در 18 ژوئن 1848 (این قیام توسط نیروهای دولتی سرکوب شد)

1849 اخراج مارکس از آلمان به علت فعالیت های انقلابی و اقامت کوتاه در فرانسه و سپس نقل مکان به لندن

1851 نگارش مقالاتی برای روزنامه آمریکایی نیویورک تریبون (این روزنامه گرایشی سوسیالیستی داشت)

1852 دریافت جواز استفاده از کتابخانه موزه بریتانیا

1855 مرگ ادگار تنها پسر مارکس در اثر فقر و تنگدستی

1862 قطع رابطه با فردیناند لاسال به علت همکاری وی با بیسمارک، پایان همکاری با روزنامه نیویورک تریبون به دلیل مشکلات مالی این روزنامه - فقر شدید مارکس

1863 مرگ مادر مارکس و باقی گذاردن ارثیه

1864 تشکیل اتحادیه بین المللی کارگران - بین الملل اول - در لندن، نقش فعال مارکس در این بین الملل به صورت تهیه نطق افتتاحیه و اساسنامه آن. مارکس عملاً ریاست سازمان بین الملل اول را به عهده داشت.

1867 اخراج هواداران پرودون از بین الملل اول - درکنگره سوم که در شهر لوزان سوئیس برگزار شد - توجه مارکس به کمون روستایی در روسیه و تحقیقات او در مورد اوضاع روسیه.

1869 درگیری با باکونین در کنگره پنجم بین الملل اول - که در شهر بال سوئیس برگزار می شد - و پیروزی باکونین.

1870 اعلام جمهوری سوم فرانسه در 4 سپتامبر 1870 (پس از سقوط حکومت ناپلئون سوم)

1871 قیام کمون پاریس از 28 مارس 1871 به مدت دو ماه در حالی که مارکس جریان این قیام را از لندن دنبال می کرد.

1872 برگزاری کنگره هفتم بین الملل اول در شهر لاهه و تصمیم کنگره مبنی بر انتقال مقر آن از لندن به نیویورک و نیز اخراج هواداران باکونین از بین الملل اول.

1875 مخالفت مارکس با ادغام حزب سوسیال دمکرات آلمان با بقایای پیروان لاسال.

1876 انتشار جلد اول سرمایه، مارکس در این کتاب ضمن تشریح قوانین شیوه تولید سرمایه داری، ارزش اضافی را بعنوان شکل استثمار و راز نهفته نظام سرمایه داری کشف و برملا ساخت.

1881 مرگ همسر مارکس در اثر سرطان

1882 سفر مارکس به فرانسه، سوئیس و الجزیره

1883 زمین گیر شدن مارکس، مارکس در 14 مارس درحالی که سرگرم نگارش جلد سوم کتاب سرمایه بود، در اثر سکنه مغزی در گذشت. جنازه او را در قبرستان های گیت لندن دفن کردند و انگلس نیز خطابه ای در تجلیل از خدمات مارکس ایراد کرد. سالهای پایانی عمر مارکس در لندن باخاطر ارثیه ی مادری و کمک های مالی انگلس همراه با آرامش خاطر و رفاه مالی بود. وی اوقات فراغت خود را صرف مطالعه و ملاقات با سوسیالیست هایی می کرد که از گوشه و کنار اروپا به دیدار او می آمدند. از کارل مارکس سه دختر باقی ماند، دو دختر او با دو سوسیالیست فرانسوی به نام پُل لافارک و شارل لونگه ازدواج کردند.

## به یاد محمدعلی افراشته، شاعر زحمتکشان

16 اردیبهشت ماه، یادآور سالروز درگذشت، شاعر طنزپرداز نامی زحمتکشان میهن مان است. زنده یاد رفیق محمدعلی افراشته در 16 اردیبهشت ماه 1271 شمسی در باز قلعه در حومه رشت زاده شد.

رفیق افراشته یکی از فعالین صدیق حزب توده در آن مقطع بود که در عرصه مبارزاتی همه نیروی ادبی خود را صادقانه در خدمت محرومان قرار داد. اشعار طنز آلود و به ویژه در سالهای مبارزه ضدامپریالیستی ملت ایران به خاطر ملی کردن صنعت نفت و علیه غارتگری های ارتجاع داخلی و خارجی، که در هفته نامه چلنگر چاپ می شد، دهان به دهان می گشت. اشعار تند و انتقادی سیاسی او سلاح تبلیغاتی بُریایی بود در دست طبقه کارگر، زحمتکشان و توده های مبارزه زن و مرد و جوانان و دانشجویان. رفیق افراشته مطالب اجتماعی و سیاسی را غالباً بصورت مکالمه افراد عادی در می آورد و به همین دلیل آثار او برای مردم به ویژه زحمتکشان و محرومان قابل فهم بود. رفیق افراشته اشعار و آثار منثور بسیاری از خود بجای گذاشته که بی گمان هر یک خود شاهکاری در ادبیات مردمی قلمداد می شوند. آثار مهم و ارزنده او عبارتند از چهل داستان، مجموعه اشعار فارسی و گیلکی، نمایشنامه ها، تعزیه ها، سفرنامه ها و روزنامه چلنگر



## رویدادهای ایران و جهان

### از زندان های ایران بازدید کنید!

نامه ی زندانیان سیاسی به بان کی مون  
جمعی از زندانیان سیاسی بند 350 با ارسال نامه ای برای دبیرکل سازمان ملل از وی خواسته اند که در جریان سفر خود به ایران از بازدیدگاههای سیاسی و امنیتی و بند 350 زندان اوین بازدید نموده و بصورت خصوصی با محکومان و زندانیان ملاقات و گفتگو کند. این نامه به نمایندگی از جمعی از زندانیان سیاسی بند 350 اوین به امضای عیسی سحرخیز منتشر شده است.

### قصاص برای سه نفر از متهمان کهریزک

دادگاه متهمان کهریزک در آستانه صدور حکم قرار دارد و حکم قصاص سه نفر از متهمان این پرونده قطعی شده است.  
به گزارش سایت فردا دو نفر از محکوم شدگان به قصاص از افسران نیروی انتظامی هستند. در این گزارش از نفر سوم به عنوان "یک نفر دیگر از ارادل و اوباشی است که از قبل در کهریزک بازداشت بوده است" نام برده شده است.

در بازدیدگاه کهریزک جنایت های تکان دهنده ای علیه معترضین به نتایج انتخابات صورت گرفت و چندین نفر در این بازدیدگاه کشته شدند. یکی از کشته شدن محسن روح الامینی فرزند یکی از مقامات حکومتی بود.

### جبهه ی مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب غیرقانونی می شوند

کمسیون ماده ی ده احزاب تقاضای انحلال دو حزب مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را به دادسرا داده است. بر اساس اخبار منتشر شده در سایت های خبری، کمیسیون ماده 10 احزاب در ایران با ارسال نامه ای به دادسرای عمومی و انقلاب تهران خواهان انحلال دو حزب اصلاح طلب مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی شده است.

### کروبی: در سالروز انتخابات تظاهرات خواهیم کرد

مهدی کروبی در مصاحبه ای با هفته نامه آلمانی اشپگل گفته است که برای سالروز انتخابات تقاضای صدور مجوز برای راهپیمایی کرده ایم. وی در این مصاحبه افزود: هرچند آرامش بازگشته است، اما جامعه فقط منتظر یک جرقه است.

### بیکاری بزرگترین چالش ایران در سال 89

بانک جهانی بزرگترین چالش اقتصاد ایران در سال جاری را در نرخ بالای بیکاران می داند. بر اساس گزارش های منتشر شده بیش از 3 میلیون بیکار در کشور وجود دارند و هر ساله 800 هزار نفر به اردوی بیکاران اضافه می شود. این در حالی است که رژیم ایران هیچ استراتژی خاصی برای مهار و رفع این بحران ندارد. بنابه اظهارات احمدی نژاد رئیس جمهور اسلامی، در سه سال آینده نرخ بیکاری به کمتر از 5% کاهش خواهد یافت. این در حالی است که بنابه گزارش مرکز آمار ایران در پائیز سال 88 نرخ بیکاری 3/11% بوده که 45% این بیکاران، فارغ التحصیلان آموزش عالی هستند و بخش اعظم آنان را هم زنان تشکیل می دهند.

### رشد 50 درصدی اخراج کارگران

حسن صادقی معاون خانه کارگر اعلام کرد: اخراج ها در تعطیلات نوروز سال جاری نسبت به سال 88 در استان تهران از رشد 49 درصدی و در سطح کشور بیش از 50 درصد بوده است. وی اضافه نمود: اگر تعداد افرادی که به اداره کار مراجعه نمی کنند را هم به این آمار اضافه نماییم، اخراج ها از رشد 70 درصدی برخوردار بوده است.

### بیمه ی زنان خانه دار

طرح بیمه ی زنان خانه دار که بیشتر از یک سال است که از سوی وزارت رفاه ارائه شده، هنوز به تصویب نرسیده و در حد یک پیشنهاد باقی مانده است. براساس این طرح زنان خانه دار بطور جداگانه تحت پوشش بیمه های تأمین اجتماعی خواهند بود. در صورتیکه این طرح تصویب شود سهم دولت از بابت حق بیمه زنان خانه دار 27/20% افزایش یافته و سهم زنان بیمه شده به 7% کاهش خواهد یافت.

### نتیجه حاکمیت جهانی سرمایه داری

#### روزانه 6300 کارگر جان خود را از دست می دهند

"خوان سوموایا"، مدیر سازمان بین المللی کار (ILO) طی پیامی به مناسبت روز جهانی ایمنی و سلامت در محیط کار اعلام کرد: اکنون زمان آن است که تلاش هماهنگی برای تضمین امنیت و سلامت در محیط های کاری به عنوان هدفی مشترک برای استراتژی های قدرتمند، پایدار و متوازن انجام شود.

به گزارش ایلنا به نقل از پایگاه اینترنتی سازمان بین المللی کار، هر روز حدود شش هزار و 300

تن در اثر بیماریها یا صدمات ناشی از کار جان خود را از دست می دهند که این رقم طی یک سال به دو میلیون و 300 هزار تن می رسد. همچنین تعداد حوادث شغلی طی یک سال به 337 میلیون مورد می رسد که اکثر آنها به غیبت از کار منجر می شود.

### اعتصاب گسترده کارگران ترکیه

با فروخته شدن شرکت دخانیات دولتی ترکیه "تکل" به شرکت انگلیسی آمریکایی "تایاکو" (بات) در اوایل سال 2008 صاحبان شرکت جدید انگلیسی - آمریکایی در دسامبر سال 2009 حدود 10 هزار کارگر را اخراج کرد، تا بجای آنها کارگرانی را با دستمزد کمتر و حداقل حقوق استخدام نمایند. در برابر این اقدام ضدانسانی، کارگران نیز ساکت ننشسته و دست به اعتصاب زدند. کارگران "شرکت دخانیات تکل" از پانزدهم دسامبر سال گذشته مبارزه سرسختانه ای را علیه اخراج های شدید کارفرمایان جدید انگلیسی - آمریکایی خود آغاز کرده اند. این مبارزه در سطح ترکیه به یک چالش بزرگ کارگری با دولت حاکم مبدل شده است. از نکات بارز این حرکت حضور گسترده زنان کارگر در راس تظاهرات و اقدامات اعتراضی کارگران است که به طور وحشیانه ای توسط پلیس ترکیه مورد ضرب و شتم قرار می گیرند.

اول ماه مه در راه است و کارگران ترکیه تدارک برگزاری مراسم روزجهانی کارگر را آغاز کرده اند. پلیس ترکیه نیز از هم اکنون وارد مرحله ی آماده باش شده است. دولت اردکان که



مامور اجرای سیاست اقتصادی نئولیبرال و تشدید خصوصی سازی در ترکیه است و مدام از پروسه ی دمکراتیزه کردن ترکیه سخن می گوید در عمل به کارگران چماق نشان می دهد در حالی که فضا را برای سرمایه گزاران باز می کند.

ترکیه امسال شاهد حملات وحشیانه ی پلیس به کارگران است. علت اصلی ادامه مقاومت "کارگران تکل" است که از پانزدهم ماه دسامبر 2009 مبارزه ای کم نظیر را آغاز کرده و به همبستگی سراسری کارگران ترکیه و همچنین همبستگی بین المللی را موجب شده اند. فرماندار آنکارا قصد کارگران شرکت انحصاری دولتی تولید سیگار و الکل تکل برای برگزاری آکسیون در اول آوریل را بدلیل امنیتی ممنوع کرد و نخست وزیر ترکیه این اعتراضات را غیرقانونی خواند. بدین ترتیب هزاران مامور پلیس با خودروهای زرهی به انحاء مختلف مانع ورود کارگرانی شدند که از سراسر ترکیه قصد ورود به آنکارا داشتند و در تمام روز کارگرانی که بنحوی وارد شهر شده و خودشان را به دفتر سندیکا رسانده بودند هدف هجوم وحشیانه پلیس قرار داشتند. پلیس با گاز اشک آور، باتوم و آبپاش های پرفشار کارگران تکل را مورد هجوم وحشیانه قرار داد. همچنین گروه های همبستگی دیگر منجمله فعالین "سندیکای کسک" که قصد پیوستن به آکسیون کارگران را داشتند مورد هجوم پلیس قرار گرفتند.

یک روز قبل دسته های ضد ترور پلیس 20 نفر از فعالین "گروه پلاتفرم مستقل طبقه ی انقلابی" که فعالان از کارگران تکل حمایت می کردند را در شهرهای آنکارا، زمیر، بورسا و سامسون دستگیر نمود. در ماه مارس نیز تعداد زیادی محصلین یک مدرسه ی عالی در استانبول بخاطر همبستگی شان با کارگران تکل اخطار گرفتند و یکی از فعالین سندیکایی بدلیل شرکت او در تحصن همبستگی از عضویت در شورای علمی دولتی اخراج شد.

کمیته همبستگی با کارگران تکل در برلین روزشنبه 4 آوریل در آکسیون اعتراضی خود یکبار دیگر تاکید کرد که سیاست ضد کارگری دولت ترکیه محکوم است و بدون آزادی بی قید و شرط تشکل و آزادی بی قید و شرط بیان و آزادی کلیه زندانیان سیاسی نمی تواند هیچ سخنی مبنی بر روند دمکراتیزه شدن ترکیه در میان باشد. طبیعی است متحدین ترکیه در اروپا ی مشترک نیز از هم اکنون چشم طمع خود را به نیروی کار ارزان در ترکیه دوخته و در سرکوب جنبش کارگری با دولت ترکیه همدستانند. از این رو همبستگی کلیه نیروهای کارگری و انقلابی در سطح جهان می تواند کمکی موثر در حمایت از کارگران تکل باشد. تا اینکه کارگران ترکیه و به ویژه کارگران تکل تنها نمانند.

## جنبش کارگری در سالی که گذشت

### نیم نگاهی به اعتراضات کارگری در سال 88

سال 88، سالی پر تنش و آکنده از بیم و امید، برای جامعه کارگری کشورمان بود. جنبش کارگری ایران طی شش ماهه اول سال یکی از بحرانی ترین و حساس ترین مقاطع حیات سیاسی و اجتماعی خویش را از سرگذراند. دهها کارگر بدلیل سختی کار، غیر بهداشتی بودن محیط های کاری، حوادث ناشی از عدم کاربست موارد ایمنی و یا در پی اعتراضات کارگری جان خود را از دست دادند، و هزاران کارگر - 4426 نفر - نیز بدلیل یاد شده طی همان مدت دچار حادثه گردیدند. در سال گذشته همچنین تعداد زیادی از کارگران بخاطر فعالیت های صنفی به دادگاه ها احضار، بازجویی، شکنجه و زندانی شدند. اصلاحاتی که توسط دولت احمدی نژاد در مورد قانون کار اعمال گردید، وسیع ترین اعتراضات کارگری را موجب گشت.

سال گذشته پروژه های گوناگونی در راستای طرح تحول اقتصادی و غیره ... برای برون رفت دولت از شکست اصلاح طرح ساختاری صنایع، در دستور کار مشاورین اقتصادی دولت و کارفرمایان قرار گرفت، که تمامی آنها تنها بدلیل آنکه صرفاً برای ارضای منافع سرمایه داران، باند های نظامی حاکم و نوکیسه گان وابسته به حکومت طراحی شده بود نتوانست علیرغم درآمدهای نجومی نفتی که در سی سال گذشته بی سابقه بوده است، اندکی از بحران اقتصادی موجود بکاهد. سیاست های اقتصادی بکار بسته شده، کپی تراژیک سیاست های نتولیبرالی خواسته شده WTO و برنامه های تعدیل ساختاری صندوق بین المللی پول بوده است. سیاست هایی که دولت نهم در طی حیات خود برای تصویب آن به شدت تلاش کرد، و با وجود عدم تصویب آن در مجلس هشتم تا جایی که می توانست با آزادسازی قیمت ها و حذف سوبسیدها در آن راستا گام برداشت. "لایحه هدفمندسازی یارانه ها" آخرین تیر ترکش جمهوری اسلامی بود که بر قلب کارگران و زحمتکشان شلیک گردید. لایحه ای که توسط احمدی نژاد به مجلس برده شد و با تهدید و تطمیع و در یک زد و بند آشکار کلیات آن را به تصویب رساند.

اعتراضات گسترده سیاسی که در پی تقلب آشکار باند خامنه ای - احمدی نژاد، در انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم، کشور را فرا گرفت، بشکل چشم گیری اعتراضات و حرکت های کارگری را تحت الشعاع قرار داد. متأسفانه جنبش اعتراضی، بخصوص گردانندگان جنبش سبز، بعنوان بخشی از جنبش اجتماعی و اعتراضی کشورمان که در این مقطع وجه بارزی یافته بود، نتوانستند جنبش کارگری را با خود همراه سازند. در سرمقاله این شماره کار داخل کشور به دلایل و عوامل این کاستی پرداخته ایم.

از اهم رویدادهایی کارگری در سال گذشته می توان به موارد زیر اشاره نمود:

#### \* بازداشت گسترده شرکت کنندگان در تجمعات روز جهانی کارگر

روز جهانی کارگر 88 بیش از 200 نفر در تهران بازداشت شدند. 150 نفر از آنان را در پارک لاله و حدود 60 نفر را هم در منطقه نعمت آباد تهران بازداشت کردند. شمار بسیاری از بازداشت شدگان از اعضای تشکل های کارگری و فعالان حقوق زنان بودند. از جمله بازداشت شدگان می توان جعفر عظیم زاده، منصور غیبی، علیرضا تقی، جلوه جواهری، امیر یعقوب علی، کاوه مظفری و ... را نام برد که با اتهاماتی واهی دستگیر شدند.

#### \* اعتراض کارگران ایران خودرو نسبت به کشتار مردم معترض

کارگران ایران خودرو در سال 88 با صدور اطلاعیه ای ضمن گرامیداشت یاد جانباختگان اعتراضات اخیر، اعلام کردند آنان این جنایات را فراموش نخواهند کرد. در بخشی از این اطلاعیه آمده است "دوستان کارگر و همکاران گرامی، طی روزهای اخیر با یورش وحشیانه نیروهای حامی سرمایه داران دهها نفر از هم میهنان مان زخمی و کشته شدند. دولت احمدی نژاد یک بار دیگر ثابت کرد که فقط با تکیه بر سرکوب و فریب و دروغ بر سر کار مانده است. ما کارگران ایران خودرو ضمن محکوم کردن این حملات وحشیانه، یاد جانباختگان راه آزادی و زحمتکشان را گرامی می داریم و درود خود را به آنان و خانواده آنان و تمام آزادی خواهان تقدیم می داریم."

#### \* همبستگی جهانی اتحادیه های کارگری با کارگران ایران

چهار اتحادیه بزرگ بین المللی (ITF-ITUC-IUF-EI) روز 26 ژوئن، پنجم تیرماه را به عنوان روز حمایت جهانی از حقوق پایه ای کارگران ایران و مبارزات آنان اعلام کردند، در این روز اعضای این اتحادیه ها در سراسر جهان اقدام به حمایت عملی از مبارزات کارگران ایران

نمودند. این همبستگی جهانی با کارگران ایران، اقدامی تاریخی و جهانی در حمایت از کارگران کشورمان برای برای دستیابی به حقوق انسانی و صنفی شان بشمار می رود. بی تردید این اقدام نقشی تاریخی در پیشبرد مبارزات کارگران ایران ایفاء خواهد نمود. از سویی دیگر اتحاد و همبستگی جهانی طبقه کارگر را عمق و دامنه بیشتری خواهد بخشید.  
زنده باد همبستگی جهانی طبقه کارگر

#### \* اعتصاب کارگران اداره مخابرات سنندج

کارگران اداره مخابرات بخش فردوسی شهر سنندج واحد اشعاعات، روز اول تیرماه سال 88 در محوطه آن اداره دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب بدنبال اعلام شرکت مخابرات مینی بر اخراج 52 تن از کارگران قراردادی آن شرکت که در اداره مخابرات بخش فردوسی شهر سنندج مشغول کار می باشند، برگزار گردید. شرکت مخابرات در پی اخراج آنان در نظر داشت به جای آنان کارگران جدیدی با دستمزد کمتر استخدام نماید. کارگران تهدید نموده بودند در صورت بی توجهی به مشکلاتشان در مقابل استانداری کردستان دست به تجمع خواهند زد.

#### \* اخراج تمامی کارگران کارخانه تراکتورسازی کردستان

کارخانه تراکتورسازی کردستان درصدد انتقال این کارخانه به شهر تبریز بود، که این امر موجب نگرانی تمامی کارگران گردید. کارفرمای کارخانه تراکتورسازی کردستان دلیل این امر را عدم پرداخت وام های بانکی و نبود بازار کافی جهت فروش تراکتورهای تولیدی این کارخانه اعلام نموده بود. لازم به ذکر است، کارفرمای کارخانه تراکتورسازی کردستان در راستای عملی کردن برنامه خود، 130 کارگر این کارخانه را اخراج و خراج 70 کارگر باقی مانده را هم در دستور کار خود داشت.

#### \* احضار یک عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به دادگاه

"رحیم بسحاق" از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه روز دوشنبه 8 تیرماه سال 88 طی احضاریه ای کتبی و به اتهام ایجاد اغتشاش در کارخانه و تبلیغ علیه نظام به شعبه دو بازپرسی دادسرای شهرستان شوش احضار نمود.

#### \* اعتصاب کارگران کوره پزخانه های وایقان شبستر

چهار هزار کارگر کوره پزخانه های وایقان از توابع شهرستان شبستر برای افزایش دستمزدشان به اعتصاب 143 روزه ای دست زدند. دهها تن از کارگران اعتصاب کننده مقابل فرمانداری شبستر تجمع اعتراضی برگزار کردند. کارگران در اعتراض خود خواهان افزایش مبلغ تولید آجر به میزان 12 تومان و پاسخگویی مسئولان به سایر مطالبات خود شدند، که با اعتراضات مداوم و پی گیر موفق شدند به خواسته های خود دست یابند.

#### \* تجمع اعتراضی کارگران کارخانه شیشه مینا در تهران

کارگران کارخانه شیشه مینای تهران روز یکشنبه 14 تیرماه با هدف دستیابی به مطالباتشان دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران خواستار پرداخت دستمزدهای معوقه دو ماهه خود و توجه مسئولین مربوطه به مشکلاتشان شدند.

#### \* اعتصاب کارگران هفت تپه در شرایط بد آب و هوایی

چهاردهم تیرماه کارگران هفت تپه در اعتراض به ادامه کار در شرایط بد آب و هوایی اعتصاب نمودند. کارگران معترض با تجمع در مقابل درب این کارخانه خواستار تعطیلی کار تا هنگام مساعد شدن آب و هوای منطقه شدند. گفتنی است میزان غلظت گرد و غبار معلق در هوا که تمامی شهرهای خوزستان را در بر گرفته بود بیش از پانزده درصد حد مجاز برآورد می گردید. بطوریکه شعاع دید تا کمتر از 60 متر کاهش یافته بود و سلامت کارگران را به هنگام کار در هوای آزاد بطور جدی تهدید می کرد.

#### \* اخراج های گسترده در کارخانه چینی کرد

سالی که گذشت سال اخراج بی در پی کارگران کارخانه چینی کرد بود. در فاصله میان شروع پائیز تا آخر بهمن حدود 400 کارگر کار خویش را از دست دادند. آخرین بیکارسازی ها در روز 28 اسفند روی داد. در این روز 200 کارگر دیگر به جرگه بیکاران پیوستند و به این ترتیب شمار کل بیکارشدگان شرکت در طول 5 ماه از مرز 600 نفر گذشت.

#### \* اعتصاب کارگران پتروشیمی پلی اتیلن سنگین کرمانشاه

روز 24 تیرماه، در پی صدور اطلاعیه ای از سوی یکی از پیمانکاران پتروشیمی پلی اتیلن سنگین کرمانشاه - شرکت سازه - مینی بر اعلام کار اجباری در روزهای جمعه، کارگران این شرکت که بالغ بر 230 نفر می شدند، با خودداری از پوشیدن لباس های کار و با تجمع در برابر دفتر شرکت سازه به این تصمیم اعتراض کرده و اعلام نمودند، "تا لغو کار اجباری در روزهای جمعه، بر سر کار حاضر نخواهند شد." ساعاتی پس از این اقدام سرپرست کارگاه با آمدن به جمع کارگران خبر لغو این تصمیم را به آنان اعلام نمود. پیش از این نیز در سال گذشته تلاش هایی به منظور کار اجباری در روز جمعه به صورت یک در میان و بدون در نظر گرفتن فوق العاده دستمزد برای روزهای تعطیل از سوی کارفرماها به عمل آمده بود که با اعتراض کارگران

به شکست انجامیده بود.

### \* اعتراض کارگران انتشارات امیرکبیر به خواسته‌های خود

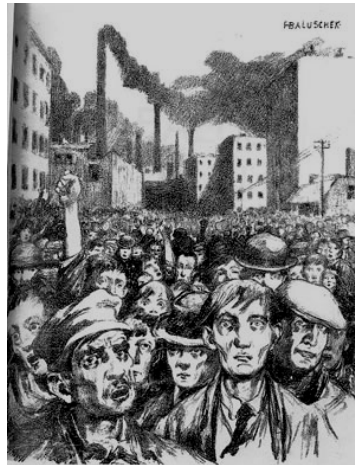
کارگران اخراجی انتشارات امیرکبیر در 22 تیرماه، بدلیل پرداخت نشدن مطالبات معوقه خود مقابل سازمان تبلیغات اسلامی در میدان فلسطین تجمع کردند. دو سال پیش در پی تغییر مدیریت انتشارات امیرکبیر، شرکت ندا، عامل توزیع کتاب‌های این مؤسسه انتشاراتی منحل و تمامی 40 کارگر آن اخراج شدند، کارگران اخراجی که دارای 4 تا 15 سال سابقه کار در این شرکت بودند، از دو سال پیش تاکنون برای دریافت مطالبات خود بارها به مؤسسه انتشارات امیرکبیر مراجعه کرده و تمامی این مراجعات تا کنون بی نتیجه بوده است. یکی از تجمع کنندگان با بیان اینکه هرچند هیئت‌های تشخیص و حل اختلاف اداره کار به نفع کارگران رأی داده و کارفرما را ملزم به پرداخت مطالبات معوقه آنان کرده است، باین حال دادگاه فقط دستور توقیف اموال مسئولان سابق این مؤسسه انتشاراتی را داده است، در حالی که مسئولان فعلی این شرکت نیز در ماجرا مسئول هستند.

### \* تجمع کارگران کارخانه ریسندگی پرریس در مقابل اداره کارسندج

کارگران ریسندگی پرریس در اعتراض به رای هیئت تشخیص در مقابل اداره کار سندج دست به تجمع اعتراضی زدند. سال گذشته براساس رای دیوان عدالت اداری کارفرما موظف شد تا کارگران این کارخانه را بصورت استخدام دائم بر سر کار بازگرداند. اما پس از ماهها مقاومت و عدم اجرای حکم صادره از دیوان عدالت اداری از سوی کارفرما، ایشان به شیوه‌های مختلف قصد دور زدن قانون و عدم اجرای حکم مذکور را کرده و در آخرین اقدام مسئله را به هیئت تشخیص ارجاع داده و این هیئت نیز در اقدامی تعجب برانگیز به صدور رای خلاف رای دیوان عدالت اداری اقدام نمود. پس از آن کارگران خواهان لغو این رای غیرقانونی و بازگشت به کار خود با شرایط استخدام دائم شدند.

### \* لغو احکام اخراج فعالین کارگری سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

سندیکای شرکت واحد و اتوبوسرانی تهران و حومه با صدور بیانیه ای خبر لغو احکام اخراج کلیه فعالین کارگری این سندیکا را اعلام نمود. در بیانیه سندیکای شرکت واحد آمده است، "در تاریخ 21 تیرماه سال 88 هیئت دیوان عدالت اداری با اکثریت قاطع، کلیه احکام اخراج کارگران سندیکا را لغو کرده و پرونده های این کارگران راجعت رسیدگی مجدد به هیئت هم عرض حل اختلاف در اداره کار ارسال نموده است .



لازم به ذکر است در پی صدور حکم اخراج

فعالین کارگری سندیکای شرکت واحد بسیاری از فعالین و نهادهای کارگری داخلی و بین المللی ضمن برگزاری اعتراضات گسترده، به حمایت از کارگران اخراجی شرکت واحد برخاسته و خواستار بازگشت به کار و آزادی رهبران بازداشت شده سندیکای شرکت واحد شده اند.

### \* تجمع کارگران کارخانه نساجی سیمین اصفهان روبروی استانداری اصفهان

کارگران دلیل تجمع شان را عدم دریافت حقوق خود طی شش ماه گذشته اعلام کرده و عنوان کردند: "مسئولان شرکت به هیچ عنوان در این زمینه پاسخگو نیستند. کارگران تجمع کننده معتقدند شرکت نساجی سیمین اصفهان برای پرداخت حقوق کارگران خود از استانداری اصفهان سه میلیارد تومان وام دریافت کرده است، ولی این پول را صرف این کار نموده است.

### \* هزاران کارگر در معرض خطر بیکاری در ایران

مطابق گزارش روزنامه اعتماد ملی 150 کارخانه و شرکت تولیدی بزرگ اراک در آستانه تعطیلی قرار دارند. که این امر بیکاری هزاران کارگر را به دنبال خواهد داشت. براساس این گزارش شرکت پارس الکترونیک، ایران مریوس، آذرب، واگن سازی پارس، ماشین سازی اراک، لاستیک البرز، کیان تایر، لاستیک دنا، پیام جهان نما، ایران خودرو، صدای بوشهر، آرتوبیل تایر، آزمایش، ایران پویا، ساسان، ایزالکو بزرگترین تولید کننده آلومینیوم در ایران، بانک های بزرگ دولتی و دهها شرکت بزرگ و کوچک از جمله این مؤسسات هستند.

### \* راهپیمایی کارگران چینی البرز

حدود دویست نفر از کارگران زن و مرد کارخانه چینی البرز، در اعتراض به عدم پرداخت هشت ماه حقوق شان، روز 13 آبان، از محل کارخانه تا فرمانداری شهر صنعتی البرز دست به راهپیمایی زدند و در مقابل فرمانداری به مدت یکساعت تجمع کردند. کارگران خواهان پرداخت

فوری دستمزدهای معوقه خود بودند.

### \* تجمع کارگران مخابرات شیراز مقابل استانداری

چهارم آبان ماه، کارگران شرکت کارخانجات مخابراتی راه دور شیراز، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان، دست به گردهمایی اعتراضی در مقابل استانداری فارس زدند. این کارگران با فریاد شعار "بخش خصوصی شدیم بیکار و بی پول شدیم" و "زندگی و معیشت حق مسلم ماست"، به روند واگذاری این شرکت به بخش خصوصی، عدم پرداخت دستمزدهای 9 ماهه معوقه و وضعیت نامناسب شغلی خود اعتراض نمودند.

### \* اعتصاب و تجمع کارگران شرکت "ارزه گستر" در ارومیه

چهارم آبان ماه کارگران شرکت "ارزه گستر" ارومیه، در واکنش به عدم پرداخت دستمزدها و مطالبات معوقه 4 ماهه خود، دست به اعتراض زدند. طبق این گزارش، بیش از صد نفر از کارگران شرکت "ارزه گستر" که پروژه ساخت راه آهن قطعه چهارمراغه - مهاباد را در دست دارند ضمن دست کشیدن از کار، اقدام به برپایی تجمع اعتراضی نمودند.

### \* اعتصاب کارگران نساجی مازندران

بیش از سیصد نفر از کارگران کارخانه نساجی مازندران روز 14 دی در اقدامی اعتراضی، به خاطر عدم پرداخت حقوق سه ماهه خود، دست از کار کشیدند.

### \* تجمع اعتراضی کارگران کارخانه نوشابه سازی ساسان

27 دی ماه، صدها تن از کارگران کارخانه نوشابه سازی ساسان در اعتراض به تداوم اخراج ها در مقابل درب اصلی این کارخانه تجمع اعتراضی برپا کردند. بیش از چهارصد کارگر، دلیل اصلی اعتراض خود را مخالفت شدید با ادامه موج اخراج ها در این کارخانه اعلام نمودند.

### \* پیروزی کارگران لاستیک البرز

در سال گذشته کارگران لاستیک البرز، در نتیجه اعتراضات پیگیر خود موفق شدند 9 تن از همکاران اخراجی خود را به سرکار برگردانند. کارگران این کارخانه در اعتراض به اخراج نمایندگان خود و عدم پرداخت 2 ماهه دستمزدشان در سال 88 و عدم پرداخت 5 ماهه از دستمزدهای معوقه سال 87، عدم تمدید دفترچه های درمانی و عدم توجه کارفرمای کارخانه به مشکلات آنان، اقدام به برگزاری اعتصاب نمودند. که 10 بهمن همان سال، کارفرمای کارخانه لاستیک البرز تحت فشار اعتصاب و اعتراض کارگران مجبور به موافقت با بازگشت به کار نمایندگان اخراجی آنان گردید.

طی سی و یک سال حکومت جمهوری اسلامی، کارگران و زحمتکشان کشورمان شاهد بکارگیری انواع سیاست های ضدکارگری از جانب تمامی جناح های حاکم بوده است. هیچ یک از این جناح ها- اصول گرا، اصلاح طلب، بورکرات و لیبرال- نتوانستند حداقل خواست های کارگران برتابند. آنان در سرکوب کارگران و تشکل های کارگری به اقتضای شرایط سیاسی جامعه از یکدیگر پیشی می گرفتند. اخراج ها، تعدیل نیرو، تعطیلی کارخانجات، عدم پرداخت دستمزدها، عدم افزایش حداقل دستمزدها متناسب با تورم سالانه، سرکوب وحشیانه اعتراضات و اعتصابات کارگری، مخالفت با تشکل های کارگری مستقل و ممانعت از تشکل آنها، تعقیب و بازداشت فعالین کارگری و نمایندگان کارگران و ... از جمله مواردی است که به فراخور زمان و مکان از جانب تمامی جناح های حاکم در جمهوری اسلامی علیه کارگران بکار بسته شده است با همه ضعف های جنبش کارگری در سال گذشته که اعمال سیاست های ضدکارگری بر آنها تحمیل شد ما را مطلع ساخت که در سال گذشته به علل عدم وجود تشکلهای کارگری، سرمایه داران در ایران یکه تاز میدان بودند و چنین سیاستی از طرف آنان وظایف ما را سنگین و در سال جدید کارگران ایران با چیره شدن بر این ضعف ها باید در جهت ایجاد تشکل ها اقدام کنند و فعالانه مبارزات خود را همگام با مردم در سال 89 پیش ببرند.

با توجه به رشد اعتراضات کارگری در سالهای گذشته، و با مراجعه به آمارها و ارقام اقتصادی، و در نظر گرفتن بیکاری، گرانی، تورم و سطح پایین دستمزدها، انتظار می رود با اجرای طرح هدفمندسازی یارانه ها تنش های اجتماعی و سیاسی جامعه را در برگیرد. به سادگی می توان پیش بینی نمود که وضع اکثریت مردم ایران، به ویژه مزدبگیران، بیکاران و زحمتکشان، امسال نسبت به سال های گذشته بسیار وخیم تر خواهد شد. با افزایش قیمت ها سطح تقاضا بشدت کاهش و رکود اقتصادی گسترده تر خواهد شد. نتیجتاً شمار دیگری از صنایع را دچار بحران و کارگران بیشتری را بیکار خواهد نمود. طبقه کارگر ایران در صف مقدم آسیب دیدگان بکارگیری سیاست های تعدیل ساختاری قرار دارد. امید می رود با اتحاد و همبستگی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران و نیروهای سیاسی حامی و طرفدار آنها، کارگران و زحمتکشان کشورمان نقشی ارزنده در مبارزات دمکراتیک و جنبش اعتراضی میهنمان ایفاء نمایند. نبود تشکل های مستقل کارگری بزرگترین مشکل کارگران در سازماندهی نیروهای خود در عرصه مبارزات طبقاتی و دمکراتیک کشورمان بشمار می آید، غلبه بر چنین نقیصه



## قطعنامه مشترک روز جهانی کارگر

(تشکل های کارگری ایران)

اول ماه مه روز همبستگی بین المللی طبقه کارگر و روز اعتراض جهانی کارگران به فقر و فلاکت و نابرابری است. در این روز میلیونها کارگر در سراسر جهان دست از کار می کشند، خیابانها را به تسخیر خود در می آورند و با اعلام خشم و انزجار از مصائب بی شماری که نظام سرمایه داری بر بشریت تحمیل کرده است، رهائی از ستم و استثمار و بر پائی دنیائی بهتر را فریاد میزنند.

طنین اعتراض به مشقات نظام سرمایه داری و برابری خواهی کارگران در اقصی نقاط جهان در حالی در روز اول ماه مه پهنه گیتی را در برمیگیرد که علاوه بر ممنوعیت برگزاری مراسم این روز در ایران، هم اکنون بسیاری از کارگران برگزار کننده مراسم اول ماه مه سال 88 یا به زندان محکوم شده اند و یا در معرض صدور احکام سنگین قضائی قرار دارند و دهها تن از فعالین و رهبران کارگری به جرم برپائی تشکلهای کارگری و دفاع از حقوق انسانی شان در زندانها بسر میبرند.

حمیل چنین ابعاد وحشتناکی از بی حقوقی اجتماعی بر کارگران ایران در شرایطی است که سیستم سرمایه داری ایران پس از گذشت سه دهه از انقلاب بهمن 57، دستمزد کارگران را به یک چهارم مبلغ زیر خط فقر تقلیل داده و با عدم پرداخت بموقع این دستمزدها و اخراج و بیکار سازی توده های عظیمی از کارگران و رواج قراردادهای موقت و سفید امضا شرایط به غایت جهنمی را بر میلیون ها خانواده کارگری تحمیل کرده است و امروزه برای تضمین بیش از پیش سود آوری سرمایه با به تعطیلی کشاندن کارخانه ها و طرح قطع یارانه ها در صدد است تا آخرین لقمه ها برای زنده ماندن میلیونها خانواده کارگری را از سفره آنان به جیب صاحبان سرمایه سرازیر کند.

اما همانگونه که ما کارگران ایران در انقلاب بهمن 57 و سالهای اخیر نشان دادیم تاب تحمل اینهمه فلاکت و بی حقوقی را نخواهیم آورد و علیرغم زندان و سرکوب، پیشاپیش عموم مردم ایران در مقابل لگد مال شدن بدیهی ترین حقوق انسانی خود ایستادگی خواهیم کرد و اجازه نخواهیم داد بیش از این حق حیات و هستی ما را به تباهی بکشاند. ما تولید کنندگان اصلی تمامی

ثروتها و تعامت موجود در جامعه هستیم و داشتن یک زندگی انسانی مطابق با بالاترین استانداردهای زندگی بشر امروز را حق مسلم خود و عموم توده های مردم ایران میدانیم.

در این راستا ما ضمن اعتراض به وضعیت موجود که از روز جهانی کارگر سال گذشته به این سو کارگران و عموم توده های مردم ایران را بیش از پیش در معرض سرکوب و تحمیل بی حقوقی قرار داده است بر تحقق مطالبات زیر پای می فشاریم و خواهان تحقق فوری و بی قید شرط همه آنها هستیم:

- 1- برپایی تشکل های مستقل از دولت و کارفرما، اعتصاب، اعتراض، راهپیمائی، تجمع و آزادی بیان حق مسلم ما است و این خواسته ها باید بدون قید و شرط به عنوان حقوق خدشه ناپذیر اجتماعی کارگران و عموم مردم ایران به رسمیت شناخته شوند.
- 2- ما طرح قطع یارانه ها (هدفمند کردن یارانه ها) و حداقل دستمزد 303 هزار تومانی را تحمیل مرگ تدریجی بر میلیون ها خانواده کارگری میدانیم و خواهان توقف فوری طرح قطع یارانه ها و افزایش حداقل دستمزدها به یک میلیون تومان هستیم.
- 3- دستمزدهای موقه کارگران باید فوراً و بی هیچ عذر و بهانه ای پرداخت شود و عدم پرداخت آن بایستی به مثابه یک جرم قابل تعقیب قضائی تلقی گردد و خسارت ناشی از آن به کارگران پرداخت شود.
- 4- اخراج و بیکار سازی کارگران به هر بهانه ای باید متوقف گردد و تمامی کسانی که بیکار شده و یا به سن اشتغال رسیده اند و آماده به کار هستند باید تا زمان اشتغال به کار از بیمه

بیکاری متناسب با یک زندگی انسانی برخوردار شوند.

5- ما خواهان محو قراردادهای موقت و سفید امضاء، تامین امنیت شغلی کارگران و تمامی مزد بگیران، رعایت بالاترین استانداردهای بهداشت و ایمنی کار و بر پییده شدن تمامی نهادهای دست ساز دولتی از محیط های کار هستیم.

6- ما خواهان لغو مجازات اعدام و آزادی فوری و بی قید و شرط ابراهیم مددی، منصور اسالو، علی نجاتی و کلیه فعالین کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی و اعتراضی از زندان و توقف پیگردهای قضایی علیه آنان هستیم.

7- ما ضمن محکوم کردن هرگونه تعرض به اعتراضات کارگری و اعتراضات مردمی، اعتراض به هرگونه بی حقوقی و ابراز عقیده را حق مسلم و خدشه ناپذیر کارگران و عموم مردم می دانیم.

8- ما خواهان لغو کلیه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان و تضمین برابری کامل و بی قید و شرط حقوق زنان و مردان در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی هستیم.

9- ما خواهان برخورداری تمامی بازنشستگان از یک زندگی مرفه و بدون دغدغه اقتصادی و رفع هرگونه تبعیض در پرداخت مستمری بازنشستگان و بهره مندی آنان از تامین اجتماعی و خدمات درمانی هستیم.

10- کار کودکان باید محو گردد و تمامی کودکان باید جدای از موقعیت اقتصادی و اجتماعی والدین، نوع جنسیت و وابستگی های ملی و نژادی و مذهبی از امکانات آموزشی، رفاهی و بهداشتی یکسان و رایگانی برخوردار شوند.

11- ما بدینوسیله پشتیبانی خود را از تمامی جنبش های اجتماعی آزادی خواهانه اعلام می داریم و دستگیری، محاکمه و به زندان افکندن فعالین این جنبش ها را قویاً محکوم می کنیم. 12- ما ضمن اعلام حمایت قاطعانه از مطالبات معلمان، پرستاران و سایر اقشار زحمتکش جامعه، خود را متحد آنها می دانیم و خواهان تحقق فوری مطالبات آنان هستیم.

13- ما بخشی از کارگران جهان هستیم و اخراج و تحمیل هرگونه تبعیض بر کارگران مهاجر افغانی و سایر ملیت ها را به هر بهانه ای محکوم می کنیم.

14- ما ضمن قدردانی از تمامی حمایت های بین المللی از مبارزات کارگران در ایران و حمایت قاطعانه از اعتراضات و خواسته های کارگران در سراسر جهان خود را متحد آنان می دانیم و بیش از هر زمان دیگری بر همبستگی بین المللی کارگران برای راهی از مشقات نظام سرمایه داری

تاکید می کنیم.

15- اول ماه مه باید تعطیل رسمی اعلام گردد و در تقویم رسمی کشور گنجانده شود و هر گونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روز ملغی گردد.

### زنده باد اول ماه مه

### زنده باد همبستگی بین المللی کارگران

1 مه 2010 11 اردیبهشت 1389

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه

اتحادیه آزاد کارگران ایران

هیئت بازگشائی سندیکای فلز کار و مکانیک

هیئت بازگشایی سندیکای کارگران نقاش

انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه

کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

انجمن دفاع از کارگران اخراجی و بیکار سقر

شورای زنان

کارگران جهان متحد شوید



اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)

روز جهانی کارگر

گرامی باد



## بسیج افکار عمومی برای آزادی فعالین کارگری



در آستانه اول ماه مه، افکار عمومی را برای آزادی کارگران زندانی بسیج کنیم! اول ماه مه، روز جهانی همبستگی کارگران و زحمتکشان، در راه است. کارگران ایران در حالی به استقبال این روز می روند که شمار زیادی از فعالان جنبش کارگری ایران در زندان‌های جمهوری اسلامی به سر می برند. تنها گناه آنان، اقدام برای طرح خواستهایی است که در مقیاس بین المللی از حقوق مسلم کارگران محسوب می شوند، مانند حق تشکل، حق دریافت به موقع دستمزد، حق تجمع، حق امنیت شغلی، حق ایمنی کار و بسیاری دیگر از ابتدائی ترین حقوقی که در دولت جمهوری اسلامی به مثابه بزرگترین کارفرمای ایران نقض می شوند. نام برخی از چهره های کارگری زندانی در ایران از این قرار است:

منصور اسالو  
ابراهیم مددی

علی نجاتی  
فرزاد کمانگر  
فریدون نیکوفر  
جلیل احمدی  
محمد حیدری مهر  
محمد اشرفی

مهدی فرهی شاندیز

همچنین محمد اولیایی فر وکیل مدافع رهبران و فعالین سندیکای واحد و نیشکر هفت تپه به یک سال زندان محکوم شده است.

بر این نام‌ها باید تعداد زیادی از کارگران و زحمتکشانی را افزود که به دلایل مشابه در زندانهای سراسر کشور اسیرند. اسامی شماری از آنها منتشر نشده است چرا که خانواده های بسیاری از کارگران به دلیل محدودیت های اعمال شده از سوی حکومت و نیز به دلایل مالی از داشتن وکیل محرومند. در سال‌های گذشته مناطق صنعتی کشور شاهد اعتصابات و اعتراضات پرشمار کارگری بوده اند. پیامد این اقدامات معمولاً حبس فعالان این اقدامات است.

در جریان اعتراضات به تقلب انتخاباتی 22 خرداد گذشته نیز شمار زیادی از کارگران و زحمتکشان دستگیر شده اند. بسیاری از آنها در بلاتکلیفی به سر می برند. حال که توجه افکار عمومی در ایران و جهان به وضعیت زندانیان سیاسی در ایران جلب شده است، جای آن است که اول ماه مه امسال را به روز بسیج افکار عمومی در ایران و جهان برای آزادی کارگران زندانی در ایران تبدیل کنیم.

هیئت سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
22 فروردین 1389 (11 آوریل 2010)

## یاد یاران یاد باد

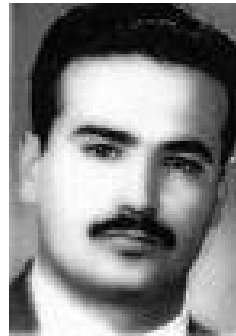


35مین سالگرد کشتار زندانیان سیاسی

### رفیق بیژن جزنی

و

### یارانش گرامی باد



بگو به میهن، که خون بیژن  
ستاره گشت و از آن  
چه سان شراره دمید

29 فروردین هر سال یادآور کشتار جنایتکارانه رفیق بیژن جزنی به همراه هشت زندانی دیگر، حسن ضیا ظریفی، عباس سورکی، محمد چوپان زاده، سعید کلانتری، عزیز سردمی، احمد جلیل افشار و دو مجاهد خلق کاظم ذوالانوار و مصطفی جوان خوشدل، در سال 1354 توسط رژیم پهلوی، در تپه های اوین است. با کشته شدن رفیق بیژن جزنی و یارانش سازمان بزرگترین تئوریسین ها و رهبران خود را از دست داد.

احتمالاً اگر رفیق بژن جزنی و بسیاری از کادرها و رهبران سازمان امروز زنده بودند، بسان هر انسانی تغییر و تحولی در افکار و بینش هایشان حاصل شده بود. و یقین که از شیوه های مبارزاتی خود در دهه 40-50 فاصله می گرفتند. اما تصور اینکه آنان بجای مبارزه علیه نظام سرمایه داری و امپریالیسم جهانی بدنبال کشف ظرفیت های باقی مانده سرمایه داری می گشتند، دور از ذهن است.

## فدائی خلق رفیق مرضیه احمدی اسکویی

ششم اردیبهشت ماه سالگرد شهادت رفیق مرضیه احمدی اسکویی، معلم، شاعر، نویسنده و چریک مبارزی است که در نبردی نابرابر با مزدوران رژیم ستم شاهی جان باخت.

در سی و پنجمین سالگرد شهادت وی، یادش را گرامی می داریم.



## زندانی سیاسی آزاد باید گردد